

پیمان‌نامه اقتصادی

عذر بدتر از گناه

چهار سال که زمانی که مجلس شورای اسلامی به وزارت راه و شهرسازی مأموریت داد تا به فوریت (طرف ۶ ماه) برای ایجاد سامانه املاک و اسکان کشور اقدام کند، می گذرد ولی همچنان راه اندازی این بانک اطلاعاتی در خانه‌ای از تردید قرار دارد. مجلس شورای اسلامی سال ۱۳۹۴ پس از تصویب قانون اخذ مالیات از خانه های خالی ، وزارت راه و شهرسازی را موظف کرد که حداکثر ظرف مدت ۶ ماه نسبت به راه اندازی یک بانک اطلاعاتی جامع در وضعیت مالکیت املاک کشور اقدام کند. اما این سامانه اطلاعاتی در دولت قبل که دکتر عباس احمد آخوندی وزارت راه و شهر سازی را به عهده داشت، به جایی نرسید و تشکیل آن در دولت دوازدهم محول شد. در دولت جدید هم (چه در دوره وزارت دکتر آخوندی و چه در دوره ۷ ماهه تصدی مهندس اسلامی بر این وزارتخانه) راه اندازی سامانه املاک و اسکان کشور معطل ماند و به بهانه های مختلف به آینده وعده داده می‌شود. مدیر کل سرمایه‌گذاری وزارت راه و شهرسازی دیروز برای توجیه تأخیر ۲۲ ماهه در ایجاد سامانه ملی مسکن اعلام کرده که هماهنگی میان ۳۳ دستگاه برای جمع آوری اطلاعات لازم در این حوزه، موجب تأخیر در اجرای این طرح شد و سامانه مذکور احتمالاً تا پایان اسفال (پنج‌آیند ۸ ماه دیگر) راه اندای خواهد شد. این درحالیست که مرجع قانون گذار با اشراف کامل به مراکز تأمین کننده محتوای سامانه، وزارت راه و شهرسازی را موظف به راه اندازی این بانک اطلاعاتی در مهلت مقرر کرده است. تشکیل این بانک اطلاعاتی موجب شفافیت بازار املاک کشور خواهد شد و به سازمان امور مالیاتی اجازه می دهد تا از خانه های خالی که عمدا بدون ساکن کشور معطل مانده اند و به بهانه های مختلف به آینده وعده داده می‌شود. اگر آن چنانکه مدیر کل سرمایه‌گذاری وزارت راه و شهرسازی می گوید، تکویناً ۳۳ دستگاه در ارائه اطلاعات لازم موجب تأخیر در راه اندازی این سامانه شده است، پس دولت پیشتر می بایست دستگاه های مقاومت‌کننده در برابر اجرای قانون را به قوه قضائیه معرفی می کرد تا اجرای این راهکار قانونی ۲ سال به تأخیر نیفتد.ولی اگر تأخیر صورت گرفته در اجرای این قانون ناشی از کم کاری وزارت راه و شهرسازی در ایفای وظیفه محوله است، باید مشخص شود چه مانعی در عدم شفافیت بازار املاک برای مدیران این وزارتخانه وجود دارد که ظرف ۴ سال گذشته از نظر تعداد جلسات و هماهنگی های اولیه فراتر نرفته اند.بخش قابل توجهی از وضعیت اسفنابر بازار فعلی اجاره بهای مسکن و رشد مکرر قیمت راه در این بازار ناشی از عدم عرضه املاک خالی و نبود اطلاعات مستند در مورد این قبایل املاک است. در چنین شرایطی احاله کردن موعد راه اندازی این سامانه به ۸ ماه دیگر، چیزی جز کمک به اشفنگی بیشتر بازار املاک و تداوم فرار مالیاتی سوداگران املاک نیست.

کلیات چهار محور اصلاح ساختار

بودجه برای قطع وابستگی به نفت در ۹ به بسته اجرایی به تأیید سران قوا رسیده است.

به گزارش فارس، محمداکبر نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه در توتنی ضمن اعلام این مطلب نوشت: طرح اولیه اصلاح ساختار بودجه با رویکرد قطع وابستگی به نفت پس از بررسی‌های وزارت اقتصاد و نظارت کارشناسان و نتجکان در شورای عالی هماهنگی سه قوه مطرح و کلیات آن در چهار محور و ۹ بسته اجرایی به تأیید رسید. این طرح که به تشخیص سیاستگران یک ضرورت است، نیازمند وقای و همکاری ملی است.

رئیس سازمان برنامه و بودجه همچنین در توتنی دیگر نوشت، مقرر شد: برای پایداری بودجه، تدبیرات مقرر شده بود که در صورت تصویبات، مقرر شد اق پیش‌بینی برابری منابع و مصارف به صورت دوساله پیشنهادی هر یک از بسته‌ها در کارگروه ویژه‌ای سه قوه بررسی و به شورای عالی هماهنگی اقتصادی سه قوه گزارش شود. در همین حال وی در خصوص جلسه غیرعلنی مجلس برای اصلاح ساختار بودجه ریزی کشور هم ضمن بیان اینکه بودجه دو

هلدینگ‌های استانی برای جذب سرمایه‌ها در بخش صنعت ایجاد می شود

بستر سازی و حمایت از راه اندازی هلدینگ‌های استانی با هدف هدایت و جذب سرمایه‌های سرگردان به سوی بخش صنعت و تولید با همکاری سازمان بورس حداقل در ۳ استان دنبال می شود.

به گزارش شات، سعید زرنزدی معاون وزیر صنعت ضمن اعلام این مطلب گفت: برنامه جدی اسمال در مجموعه روزارتخانه این است که بتوانیم سرمایه‌های سرگردانی را که در اقتصاد کشور وجود دارد به سمت تولید هدایت کنیم. وی گفت: اقتصاد ایران دچار پارادوکس نقدینگی شده است و در حالی که نقدینگی بسیار بالای در کشور وجود دارد و باعث مشکلات زیادی در اقتصاد شده، بخش تولید از کمبود شدید نقدینگی رنج می‌برد، لذا باید به سمت هدایت نقدینگی به سوی تولید باشیم. البته باید سرمایه گذاری در بخش تولید را جذاب کنیم، نمی‌شود بخش مالیات را پرداخت کرد و بخش غیرمولد با سودهای سرشار از پرداخت مالیات در امان باشد.

معاون وزیر صنعت با تأکید بر اینکه مالیات برعایدی سرمایه برای اقتصاد کشور لازم و ضروری است و امیولایرم هرچه زودتر به اجرا درآید، توضیح داد: در یزد به عنوان نخستین استان، جلاست و مذاکراتی را بر سرمایه گذاری بخش خصوصی برای تشکیل هلدینگ استانی برگزار کردیم تا بتوانیم این موضوع را به عنوان نخستین استان، در کشور اجرا کنیم و سپس در سایر استان‌ها هم اجرا خواهیم کرد.

وی تصریح کرد: در کم نخست با حدود ۳۰ سرمایه‌گذار استان یزد

مذاکره اولیه انجام شد که بتوانیم حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان برای این موضوع

نمایریمز کنیم.

هجوم ملخ‌های صحرایی به ایران پایان یافت

سختگوی سازمان حفظ نباتات کشور با بیان اینکه ملخ‌های صحرایی، بیش از یک میلیون تن در استان تهران و پاکستان ترک کردند، گفت: کتواهی عربستان در مبارزه با این ملخ‌ها مشخص شد و فائو هم این امر را تأیید کرد. ۱۷۳ هزار تن ملخ صحرایی به گفتگو با مهر با بیان اینکه خوشبختانه هجوم ملخ‌ها متوقف شده است، افزود: این ملخ‌ها کشور ما را به مقصد این کشورها ترک کردند که در دی و بهمن دوباره به کشور ما برمی گردند و در قاعدی حمله آنها می‌شود. آغاز می‌شود. سختگوی سازمان حفظ نباتات کشور اضافه کرد: هر چندگر کشورهای عربستان عربستان هم و عمان با این ملخ‌ها مبارزه خوبی انجام ندانند و کشور ما را درگیر کردند، ما مبارزه خوبی با آنها داشتیم و عربستان در پاکستان کمتر درگیر خواهد بود و بدین ترتیب هر چندگر این دو کشور خوب مبارزه کنند، در دی و بهمن چالش کمتری خواهیم داشت.

وی با اشاره به اینکه ۵۹ کشور دنیا در مبارزه با این ملخ‌ها سختگوی سازمان حفظ نباتات کشور اضافه کرد: هر چندگر کشورهای عربستان هم و عمان با این ملخ‌ها مبارزه خوبی انجام ندانند و کشور ما را درگیر کردند، ما مبارزه خوبی با آنها داشتیم و عربستان در پاکستان کمتر درگیر خواهد بود و بدین ترتیب هر چندگر این دو کشور خوب مبارزه کنند، در دی و بهمن چالش کمتری خواهیم داشت.

وی با اشاره به اینکه ۵۹ کشور دنیا در مبارزه با این ملخ‌ها

ممنوعیت معامله مصنوعات طلا بدون کد شناسایی

مقابله با خرید و فروش مصنوعات طلا بدون کد شناسایی در بازار آغاز شد.محمود رضا طاهری مدیر کل استاندارد استان تهران از اعلام اجرای گشت‌های نظارتی از طریق افرو: بدین طریق، خرید و فروش مصنوعات طلای بدون کد شناسایی یا دارای کد شناسایی ابطال شده ممنوع است. وی گفت: این موضوع مکررا به خریداران، سازندگان و عرضه‌کننده مصنوعات طلا در استان ابطال شده است و از حال حاضر هم بازارسان استاندارد با اکرا بنر و استند در مراکز عرضه، شهروندان را از این موضوع آگاه می‌کنند. افروز از ابتدای سال تاکنون برای ۱۲ واحد سازنده مصنوعات طلا کد شناسایی صادر شده است و مجموعاً واحدهای تازه کد در استان تهران بالغ بر ۱۵۰۰ واحد است.

با تدابیر اتخاذ شده و تدبیرهای پاینامانه از تحریم

قبل، اثر تحریم‌های جدید بر تولید و صادرات محصولات

پرتویشی کشور اندک و ناچیز است.

علی محمد بساق زاده عضو هیأت مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی در گفتگو با خبرنگار اقتصادی اطلاعات ضمن اعلام این مطلب اظهار داشت: دور اول تحریم‌ها به اعلام ایران که در سال‌های ۹۱ و ۹۲ ایجاد شدد تجربه همه جانی‌ها برای مدیران ایجاد کرد و آن تجربه اکنون به کمک ما آمده تا با تدابیری که اتخاذ شده، اثر تحریم‌های جدید را به حداقل برسانیم.

وی گفت: در تحریم اولیه، چین و روسیه به همراه سازمان ملل هم ایران را تحریم کرده بودند و تحریم این کشورها فشار لجسنتیک، بازار فروش و جابجایی ارز برای صنعت پتروشیمی ایجاد کرده بود.

بساق‌زاده افزود: همچنین در تحریم اول از نظر تأمین برخی مسواد در ضمیمه بودیم و تلاش می‌کردیم کارکرد صنعت را با شرایط ثابت و به وسیله نقد، ما به هر حال صادرات پتروشیمی با تحت‌الشعاع قرار گرفت.

وی تصریح کرد: محصولات پتروشیمی متنوع و راههای صادرات آن گوناگون است. ۷۰ درصد آن از راه دریا و به وسیله کشتی صادر می‌شود که در دوران تحریم اول یکی از چالش‌های لجسنتیک ما در همین‌باره بود. تأمین و اجاره کشتی، بیمه کشتی و اصلا یافتن خوشدستی از چالش‌های جدی ما بود.

این امر باعث شدد ما حدود ۶ ماه زمان لازم داشته باشیم تا شرایط به حال نرمال بازگردد و تدابیرمان جواب بدهد. مثلا درباره بیمه کشتی‌ها بیشتر این بیمه‌ها توسط آمریکا و اروپا صادر و پشتیبانی می‌شود و چین و روسیه هم در آن حضور دارند که آن را تدبیر کردیم. مدیر طرح‌های شرکت ملی صنایع پتروشیمی درباره این تدابیر توضیح داد: از جمله این تدابیر که امروز کشتی اثر گذار از ناچیز تحریم‌ها بر پتروشیمی شده، خریداری کشتی برای تولیدکنندگان پتروشیمی است. از سوی دیگر کشتیرانی ایران و شرکت ملی نفتکش کسرسویی برای تأمین کشتی و خدمات‌رسانی آن ایجاد کردند. چرا که بخش پتروشیمی در مدیریت و بهربرداری از کشتی‌ها مشکل داشتند که با استفاده از توان داخل این چالش حل شد.

نوبخت: افق پیش‌بینی بودجه ۲ سالانه می‌شود

سالانه اطمینان بیشتری نسبت به آینده ایجاد خواهد کرد، گفت: این امر بخشی از اصلاحیه مقام معظم رهبری بود.

به گزارش مهر به نقل از خانه ملت، محمداکبر نوبخت اظهار داشت: در چارچوب اصلاح ساختار بودجه ۹ بسته تعریف شده که هر یک از این بسته‌ها هم تعدادی برابر دارد و در جلسه شورای عالی هماهنگی قوا به تصویب رسید و در مجلس این طرح، وی تأکید کرد: مقرر شد برای چگونگی اجرای این محورها از طریق پروژه‌ها، برنامه‌ها و اقدامات پیشنهادی توافقی ای مابین دولت و مجلس صورت گیرد.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین بودجه دو سالانه توضیح داد: برای پایداری بودجه و تصمیمات، مقرر شد اق پیش‌بینی برابری منابع و مصارف به صورت دوساله مطرح و کلیات آن در چهار محور و ۹ بسته اجرایی به تأیید رسید. این طرح که به تشخیص سیاستگران توافقی ای مابین دولت و مجلس صورت گیرد.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.

نوبخت همچنین درباره ایده تدوین

بودجه دو ساله بود.



۲۰۶
شماره ۱۲۹ - سال شانزدهم - شماره ۲۲۳۹
شماره اجتماعی روزنامه اطلاعات

صلح با طبیعت
آموختنی است



زیر گذر اینترنت

جنگ گیاهخواران و گوشتخواران!

استدلال باید نتیجه بگیریم مسواک زدن، حمام کردن و خوابیدن هم خوب نیست، چون هیتلر هم مسواک می‌زده، هم حمام می‌کرده، هم می‌خوابیده! «خانم نون» از تجربه خودش حرف زده: «توی کل خانواده، فقط مادرم همیشه در همه زمینه‌ها در کم می‌کند. مثلاً با وجود این که اعتقاد دارد گیاهخواری کار بی‌هوده‌ای است، هر وعده برای من جداگانه غذای گیاهی درست می‌کند. شاید باید درک کردن را از او یاد بگیرم.»

علاقه‌مندان به گوشت، مطالب تند و تیزی در دفاع از سلیقه غذایی خود نوشته‌اند. «داریوش دیانت» جمله‌ای از هومر را نقل کرده است: «در صورتی گیاهخوار می‌شدم که درخت کباب وجود داشت!» «یاسر رسا» گفته: «اگر ورزش و تحرک و گیاهخواری خوب بود، عمر خرگوش‌ها شش سال نبود!»

«سلطان علی دیلماز» هم خاطره‌ای تعریف کرده که قطعاً برای گیاهخواران خوشایند نیست: «یک‌بار سر کلاس از گیاهخواری صحبت می‌کردیم. قبل از آن که پیرسم کسی گیاهخوار هست یا نه، یکی از بچه‌ها گفت بین حیوانات هم آنهایی که گیاه می‌خورند احمق‌ترند، مثل گاو، گوسفند و بز. دیگر سوالم را نپرسیدم.»

در عوض «فریمه» گوشتخواری را از دید یک گیاهخوار توصیف کرده: «به گوشت‌های پشت شیشه یخچال مغازه نگاه می‌کند و می‌گوید آقا لطفاً دو کیلو از این اجساد حیوانات در حال فساد در یخچال‌ها بدهید!» بعضی کاربران موضوع را از منظر اقتصادی بررسی کرده‌اند. «همون دریا» معتقد است: «گرانی و بی‌پولی، جوان ایرانی عاشق گوشت را به سمت گیاهخواری سوق داده!» اما «خانوم خاکستری» نوشته: «یک‌بار رفتم رستوران و بشقاب سبزیجات سفارش دادم. ۶۰ هزار تومان از من گرفت و یک مشت هویج و کلم پخته و اینها گذاشت جلویم. آنجا بود که فهمیدم گیاهخواری اشتباه است!» اما «ژاوی» انگیزه‌های گیاهخواری را کلاً از زاویه دیگری نگاه کرده: «دیشب خانم زیبایی را دیدم که داشت کتاب گیاهخواری می‌خواند. گفتم سلام شما گیاهخوار هستی؟ گفت بله شما چطور؟ گفتم از همین لحظه تصمیم گرفتم فقط عدس بخورم!» «اسب‌شاخدار ویراستار» به دو افسانه در مورد گیاهخواری اشاره کرده و نوشته: «می‌گویند غذاهای گیاهی سالم‌ترند اما واقعیت این است که پیچس هم یک غذای گیاهی به‌شمار می‌رود. عده دیگری می‌گویند اگر گیاهان را بکشیم، آنها هم زجر می‌کشند. چنین چیزی ثابت نشده و واکنش بعضی گیاهان به محرک خارجی، درد به معنای مرسومش نیست. ضمن این که تولید گوشت، گیاهان بسیار بیشتری را نابود می‌کند.»

«عجیب‌زاده» نکته جالبی را از دوستش نقل قول کرده: «در کشور ما و البته در همه دنیا، انسان‌ها روزانه هزاران رأس گاو و گوسفند را با رضایت قلبی می‌کشند و می‌خورند ولی برای مرگ سگ‌ها آه می‌کشند. این نشان می‌دهد حتی در حیوانات هم برخی برابر‌ترند!»

وقتی صحبت از گیاهخواری به میان می‌آید، فضای مجازی تبدیل به میدان جنگ طرفداران این رژیم غذایی با گوشتخواران می‌شود.

«مهدیس پویا» نوشته است: «به‌تازگی وارد هفتمین سال و گان (کسی که رژیم غذایی بدون گوشت، لبنیات، تخم‌مرغ و عسل دارد) بودم می‌شوم. شش سال تمام دست‌کم بشقاب غذای تهی از خشونت بوده است؛ شش سال بی‌گوشت، مرغ، ماهی، تخم‌مرغ، لبنیات، چرم و مانند آنها. آن‌چه باید بوده باشد، نه لطف من در حق طبیعت و حیوانات!»

کاربر «هومو گاسترونومر» که بیشتر به مطالب مرتبط با آشپزی می‌پردازد در پاسخ نوشته: «متأسفانه خشونت کشاورزی ته‌جیمی، دست‌کمی از خشونت منحصر به دامپروری ندارد. از جنگل‌زدایی وسیع و انحراف آب گسترده که بگذریم با فاصله زیاد می‌توان خشونت در مزارع موز یا قهوه یا چای را خشن‌ترین شکل تولید غذا برای بشر دانست، خشونت علیه طبیعت و جاننداری به اسم انسان.»

این کاربر در جای دیگری نوشته: «انسان‌ها تمایل دارند از خشونت آشکار علیه طبیعت فرار کنند و خشونت پنهان برایشان مهم نیست. بهره‌کشی از طبیعت به اسم زنبورداری فرقی با گاوداری شیری ندارد. انحراف آب برای کاشت کاهو همان‌قدر جانوران را آزار می‌دهد و از بین می‌برد که بارکشی با حیوان.»

«دایره بی‌شعاع» در دفاع از گیاهخواری با به اشتراک گذاشتن تصویری که ملاحظه می‌کنید نوشته: «وقتی موجودات بی‌گناه را تا ته خوردی و فسفر بدنشان به مغزت رسید و ذهنت باز شد، کمی هم به حیوانات و حق حیاتشان فکر کن!»

اما «حاج کریم» با هشتگ «نه به گیاهخواری» مخالفت خود را نشان داده و گفته: «[این که] خود حیوانات را بخورید بهتر از این است که غذایشان را بخورید.» یکی از کاربران با اظهار علاقه به کم‌کردن میزان مصرف گوشت در رژیم غذایی خود، از دیگران خواسته است فهرستی از غذاهای گیاهی به او پیشنهاد بدهند.

یک کاربر گیاهخوار در پاسخ به این درخواست نوشته است: «گیاهخواری فقط

سالاد خوردن نیست. هر غذایی که می‌خورید یک نسخه بدون گوشت هم دارد که خوشمزه است و خود گوشتخوارها هم این نکته را تأیید کرده‌اند. خورش‌ها را با قارچ یا سویا با بافت درشت بپزید. به جای گوشت چرخ کرده سویا با بافت ریز بریزید. حمص، تبوله، دلمه، دمی‌گوجه، باباغوش، آش، دمی‌باقالی و انواع برنج‌های مخلوط دیگر همه گیاهی هستند.

اگر دنبال غذاهای فست‌فودی گیاهی مثل پیتزا یا هات‌داگ یا چیپس و پنیر هستید، باید بگویم سوسیس و کالباس گیاهی هم موجود است که به گفته گوشتخوارها مزه‌اش مثل سبزی نیست و به سوسیس و کالباس گوشتی نزدیک است.»

«میثم» در دفاع از گیاهخواری نوشته: «بعضی‌ها بعد از کلی بحث برای این که اثبات کنند گیاهخواری خوب نیست، می‌گویند هیتلر هم گیاهخوار بوده! با این



تماشاخانه



● ترکیب معماری مدرن و دوستی با طبیعت در سنگاپور

میدان مشق

بیچاره اورست!



● ارمان زمان فشمی

یکی از اخبار عجیب و غریب بهار امسال، اقدام گروهی از کوهنوردان برای پاکسازی قله اورست از زباله بود؛ چرا که این گروه طی شش هفته، ۱۱ تن زباله و چهار جسد ناشناس پیدا کردند که در فصل‌های سردتر سال زیر برف و یخ پنهان بوده‌اند.

در میان زباله‌ها انواع قوطی‌های اکسیژن، چادرهای پاره، طناب، زینه‌های شکسته، قوطی‌های غذا و پلاستیک به چشم می‌خورد. بیچاره طبیعت که حتی در ارتفاع ۸۸۴۸ متری از گزند خودخواهی انسان در امان نیست!

این خبر نشان می‌دهد که هیچ‌کس به‌صرف کوهنورد بودن نمی‌تواند ادعای دوستی با طبیعت داشته باشد. چطور می‌شود به عشق طبیعت، بلندترین قله دنیا را درنوردید اما به پاکیزه نگاه داشتن آن فکر نکرد؟ کدام عاشق است که چهره معشوق را بخراشد و دلش را بشکند؟ مگر نه آن که عاشق، معشوق را همیشه در اوج کمال و جمال می‌خواهد؟ پس چگونه ممکن است به دست خود بر زیبایی تمام و کمال آن خط و خش بیندازد؟ ممکن است خبر وجود ۱۱ تن زباله در اورست برای شما هم تکان‌دهنده بوده باشد اما اگر خوب فکر کنیم می‌بینیم که شاید اگر ما هم جای آن کوهنوردان بودیم به همان شکل عمل می‌کردیم. درواقع دستمان به اورست نرسیده و آب ندیده‌ایم و گرنه شناگرهای قابلی بودیم!

مگر ما همان آدم‌هایی نیستیم که دلمان می‌خواهد به کنار دریا برویم و از آن آرامش بگیریم اما موقع برگشتن زباله‌هایمان را در ساحلش جا می‌گذاریم؟ مگر ما جنگل‌ها و کوه‌هایمان را با ساخت‌وسازهای غیرقانونی نابود نکرده‌ایم و بخشی از آنها را هم که باقی مانده است با زباله نیالوده‌ایم؟ مگر به بهانه انرژی گرفتن از طبیعت با خودروهای نیمه‌سنگین به دل کویرها نرفتیم و آرامش طبیعت آنها را به هم زدیم؟

مگر ما همان کسانی نیستیم که سالروز ولادت امام رضا (ع) را روز محیط‌بان نام گذاشته‌ایم اما بیش از صد نفر از محیط‌بانانمان را هنگام انجام وظیفه و در جدال با شکارچیان غیرقانونی از دست داده‌ایم؟ نگاهی به وضعیت امروز دریاها و دریاچه‌ها و جنگل‌ها و کویرهای کشور، پاسخ روشنی برای این پرسش‌هاست. پس خوب است به جای سر تأسف تکان دادن برای اورست، به رفتارهای خودمان هم فکر کنیم.



گفتگو با یکی از مؤلفان کتاب‌های درسی پیرامون ضرورت آموزش‌های زیست‌محیطی در مدارس

صلح با طبیعت آموختنی است



● سمیه میرزایی

است: «اگر می‌خواهیم در مسائل تربیتی کودکان موفق باشیم باید به اصل همگونی و هماهنگی تمامی عناصر تأثیر گذار در تعلیم و تربیت توجه کنیم.» از نظر من، این نکته در یادگیری سواد محیط‌زیستی کودکان نقش بسزایی دارد.

پدر، مادر، رسانه‌ها، شهر و همه عناصر تربیتی که مقابل چشم کودکان هستند، در این یادگیری نقش دارند. سؤال اینجاست آیا تمامی این عناصر سهم خود را در تربیت زیست‌محیطی بچه‌ها پرداخت می‌کنند؟ پاسخ قطعاً خیر است. متأسفانه کودکان بسیاری از بدآموزی‌ها را از تلویزیون یاد می‌گیرند. باز یکنی که در یک مسابقه فوتبال، ۵۰ بار آب دهان روی چمن می‌ریزد و این رفتار از تلویزیون پخش می‌شود، مصداق بارز رفتار مشاهده‌ای است که تمامی آموزه‌های تربیتی را پیش کودکان و نوجوانانی که آن برنامه و رفتار را مشاهده می‌کنند بسیار کم اثر می‌کند. همیشه به خاطر داشته باشیم به دلیل قدرت یادگیری مشاهده‌ای، این رفتارها ملاک ذهنی افراد می‌شوند، از این رو معتقدم که به موضوع تربیت به ویژه تربیت زیست‌محیطی نباید یک بعدی نگاه کرد.

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که ما در تربیت زیست‌محیطی بچه‌ها با آن مواجهیم، زشتی‌هایی است که کودکان در رفتار والدین‌شان در تعامل با طبیعت می‌بینند. وقتی والدین در کنار یک جاده جنگلی اتراق و زباله‌هایشان را همان جارهای می‌کنند بدون آنکه به استفاده نافر بعدی از طبیعت و به سلامت آن فکر کنند، تأثیر گذاری عمیق بر تربیت زیست‌محیطی کودک مشاهده‌گر خود دارند.

باید به بچه‌ها یاد داد که نگهداری از محیط‌زیست اطرافمان، الزامات

انسان به عنوان موجودی که صاحب شعور است، باید در نقش مدیر هستی، قدرت فهمیدن و درک تمامی موجودات اعم از گیاهان و حیوانات را داشته باشد. متأسفانه در بسیاری مواقع انسان‌ها به دلیل منفعت‌طلبی، فقط نفع زمانی، شخصی و محدوده جغرافیایی خود را در نظر می‌گیرند. در حالی که باید رفتار «صلح محور» یا «سلام محور» اساس تعامل انسان و طبیعت باشد. «سلام» از ریشه «سلم» به معنای تعامل متقابل مدنظر است. انسان باید به گونه‌ای رفتار کند که در «سلام» با همه اجزای طبیعت باشد. وقتی انسان در این تعامل متقابل، عهده‌دار مسؤولیتی از اجزای طبیعت می‌شود، باید با توجه به مسؤولیتش در ارتباط با هستی، آن را تمام و کمال انجام دهد. این موضوع باید به صورت کامل توسط همه افراد جامعه از جمله جامعه آموزش و پرورش، نویسندگان کتاب‌های درسی، اولیاء مدرسه و خانه، کاملاً فهمیده شود.

اگر قرار باشد ما بدون توجه به نقش و مسؤولیت خود در مقابل «هستی»، رفتار کنیم و فقط نفع شخصی خود را در نظر بگیریم، نتیجه همانی می‌شود که الان شاهد آن هستیم؛ از بین رفتن طبیعت و رفتار مستبدانه در مقابل آن. زمانی که افراد نسبت به حقوق و تکالیف خود آگاه باشند، حق همه اجزای طبیعت اعم از آسمان، زمین، گیاه و حیوان را هم به تناسب توانمندی خود رعایت خواهند کرد. رعایت این حق گاهی با تفکیک زباله، گاهی با کاشت یک گیاه و گاهی با رفتار مهربانانه با یک حیوان معنا می‌شود. مثلاً اگر ما مسیری را می‌رویم و در سر راهمان کبوتری مشغول دانه خوردن است رفتار صلح‌آمیز با طبیعت ایجاب می‌کند مسیرمان را عوض کنیم و مزاحم دانه خوردن پرند نباشیم. این رفتار به معنای صلح

چند سال پیش از آقای که شلنگ آب را مدتی طولانی برای آب دادن یک باغچه کوچک مقابل در خانه‌اش باز کرده بود، خواهش کردم تا با در نظر گرفتن شرایط بحرانی کشور در بحث کم‌آبی، آب را به اندازه مصرف کند و آن را هدر ندهد. پاسخش بسیار جالب بود. گفت، خانم! در شرایطی که بسیاری از مسؤولان کشور مملکت را به تاراج می‌برند و به هیچ کس و هیچ چیز رحم نمی‌کنند، شما از من می‌خواهید در مصرف چند قطره آب صرفه جویی کنم! شاید در نگاه اول بیش از هر چیز، بی‌اعتمادی مردم به مسئولان و تبعات آن از پاسخ این هموطن دریافت شود؛ موضوعی که به تنهایی برای آن باید مرثیه‌ها سرود، اما آنچه مد نظر این گزارش است، بی‌مهری ما به محیط‌زیست و تمامی مواهب و نعمت‌های خدادادی است؛ بی‌مهری نسبت به مجموعه‌ای از حیات گیاهی، جانوری و منابعی که حفظ آنها برای ادامه زندگی ضروری است.

اگر حفظ محیط‌زیست یکی از اصلی‌ترین چالش‌های جهانی برای زندگی آینده انسان است، این چالش حتماً برای مادر ایران با توجه به شرایط سخت آب و هوایی و ویرانی‌های ناشی از بی‌مسؤولیتی ما و مسؤولان، توانمان با یکدیگر، دشوارتر خواهد بود. احساس مسؤولیت در قبال طبیعت و علاقه برای حفظ آن از کودکی باید شکل بگیرد، اما به باور عبدالحسین وهاب‌زاده، عضو کمیته آموزشی اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت و از ایده‌پردازان مدارس طبیعت در کشور، توجه به محیط‌زیست به انگیزه و علاقه نیاز دارد؛ علاقه‌ای که باید در دوران کودکی ایجاد شود و این در حالی است که این دوران طلایی با آموزش انبوه حفظیات و تست‌های کنکور در کلاس‌های درس تلف می‌شود.

بی‌واسطه با طبیعت

او در ریشه‌یابی این موضوع با تأکید بر لزوم تحول در نظام آموزشی کشور در گفتگو با اینا گفته است: تازمانی که شیوه‌های تدریس در نظام آموزش و پرورش اصلاح نشوند و کودکان فرصتی برای یادگیری مهارت‌های زندگی نداشته باشند و ارتباط با طبیعت را به‌طور ملموس، بی‌واسطه و خودانگیخته تجربه نکنند، به مطالعات محیط‌زیست و طبیعت علاقه‌مند نخواهند شد. به صرف مطرح شدن موضوعات محیط‌زیست در منابع درسی، هیچ طرفی نمی‌بندیم و به عبارتی دیگر انعکاس این مطالب در کتاب‌ها کافی نیست؛ بچه‌ها باید از نزدیک، طبیعت را تجربه کنند.

اگر کودکان مادر دوران طلایی عمر خود یعنی سنین پنج تا ۱۲ سالگی، نزدیکی با طبیعت را تجربه کردند، عاشق طبیعت خواهند شد. مطالعه درباره محیط‌زیست از این زمان آغاز می‌شود. بعد از ایجاد انگیزه که به‌واسطه لمس طبیعت آغاز شده، کودک با یک دریا مطالب خواندنی روبه‌رو می‌شود. معتقدم مطالب خواندنی درباره محیط‌زیست فراوان هستند، اما آنچه وجود ندارد انگیزه است که باید ایجاد شود. ما از تجربه آشنایی با طبیعت حرف می‌زنیم، یعنی بچه‌های ما باید در دوران طلایی زندگی خود مستقیم و بدون آموزش بیرونی، طبیعت را تجربه کنند؛ جریانی که حق طبیعی کودک است. این حق باید از سوی همه به رسمیت شناخته شود و قانون باید این موضوع را به عنوان حق طبیعی کودک به رسمیت بشناسد.

مترجم کتاب «کودک و طبیعت» در ادامه تأکید می‌کند: نظام آموزشی باید این حق را به رسمیت بشناسد، شهر باید این حق را به رسمیت بشناسد. در حال حاضر شهرهای ما به هیچ وجه دوستدار کودک نیستند. کودک جرأت ندارد در سبزه‌ها قدم بگذارد یا گل بچیند. کودک برای ورود به حیاط مجموعه زندگی خود اجازه ندارد. حضور در محله از سوی والدین ممنوع شده و محیط‌های باز، دور افتاده‌اند و در دسترس نیستند و در نتیجه کودکان ما از طبیعت محروم شده‌اند.

برای احیاء حق کودک در رابطه با تجربه بی‌واسطه و خودانگیخته طبیعت، شهر باید تجدید سازمان شود. قانون و نظام آموزش باید رویکرد خود را تغییر دهند. تا این تغییرات ایجاد نشوند ما نمی‌توانیم کودکانمان را به طبیعت و کتاب‌های این حوزه علاقه‌مند کنیم. اگر یک کتابخانه کتاب پیش چشمشان بگذاریم، باز هم کودکان به موضوع طبیعت و محیط‌زیست علاقه‌مند نخواهند شد.

تعامل متقابل با طبیعت

سعید راصد، از مؤلفان کتاب‌های درسی و از کارشناسان دفتر تألیف و برنامه‌ریزی درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش در گفتگو با ما، با اشاره به نحوه تعامل ما با محیط‌زیست می‌گوید:



با پرنده است.

وی با تأکید بر ضرورت این آموزش‌ها در مدارس ادامه می‌دهد: آگاهی لازم در ارتباط با حقوق و تکالیف ما در قبال هستی و چگونگی نحوه تعامل ما باید از طریق آموزش به ویژه آموزش‌های دوره پیش‌دبستانی و ابتدایی و حتی قبل از آن از طریق خانواده‌ها و مهدهای کودک انجام شود؛ چون آموزش در کودکی مانند حکاکی بر روی سنگ است. باید از طریق آموختن به بچه‌ها بیاموزیم که آنها وارد جهانی شده‌اند که باید نقش و وظایف خود را در قبال آن ایفا کنند.

در حال حاضر در کتاب‌های ادبیات و دینی نکاتی در ارتباط با رفتار و رفاقت با حیوانات در اشعار فارسی یا شرح احادیث وجود دارد، اما متأسفانه نکته اینجاست که آموزش صرفاً تئوری نتیجه‌بخش نیست. آموزش‌ها باید عملی و در تعامل با محیط انجام شوند، اما چون این شکل از آموزش هزینه، انرژی و مسؤولیت دارد، انجام نمی‌شود. اروپایی‌ها در آموزش‌های زیست‌محیطی از ما موفق‌ترند، چون مسؤولیت، هزینه و انرژی لازم برای نهادینه کردن این آموزش‌ها به فرزندان‌شان را می‌پردازند.

یادگیری مشاهده‌ای

سعید راصد، موضوع دیگری که در کنار آموزش‌های رسمی حائز اهمیت است و حتی بیش از آن باید مورد توجه باشد را یادگیری مشاهده‌ای و تأثیر آن در ارتباط با آموزش مسائل محیط‌زیستی در کودکان می‌داند و می‌گوید: «ما کارنکو» یکی از متخصصان کار با کودکان اهل روسیه معتقد

خود را دارد. وقتی ما از طبیعت اطراف بهره می‌بریم، باید به مسؤولیت‌مان هم در قبال آن واقف باشیم. هر کسی هم باید برای الگوشدن از خودش شروع کند. برای مثال من حدود یک سال و نیم است که زباله‌ها را تفکیک می‌کنم و بعد در باغچه حیاط خانه با دفن کردن زباله‌های تر، آنها را به کمپوست تبدیل می‌کنم یا مدیریت مصرف مواد غذایی در خانه‌مان، سعی داریم تولید زباله و پسماند مواد غذایی را کم کنیم که راهکاری اصولی‌تر و زیربنایی‌تر است. وی به فضای فیزیکی خشک و غریبه با طبیعت مدارس تأکید دارد و می‌گوید: چطور می‌توان از مدارس موجود برای الگوسازی در تربیت زیست‌محیطی بچه‌ها استفاده کرد وقتی بسیاری از مدارس ما حتی یک درخت هم در حیاط مدرسه یا اطراف آن ندارند؟ اصلاً هیچ اثری از زیبایی‌های طبیعت در بسیاری از مدارس ما به چشم نمی‌خورد، چون مدارس ما کار کرد خود را از دست داده‌اند، چون اکثر مدیران مدارس فقط به تست‌زنی و کنکور فکر می‌کنند.

نکته پایانی اینک، به خاطر داشته باشیم، بچه‌ها «آنی» می‌شوند که ما هستیم نه آنچه ما می‌گوییم یا می‌خواهیم. به قول حضرت علی (ع)، مردم بر دین ملوکانشان هستند. وقتی در سطح کلان، مسؤولان نسبت به حفظ محیط‌زیست علاقه‌ای ندارند، باید شاهد تأثیر گذاری آن در رفتار مردم هم باشیم. در آموزش و پرورش هم باید تفکر حفظ محیط‌زیست در تمامی سطوح از وزیر تا مؤلف تمامی کتاب‌های درسی در همه مقاطع مورد توجه باشد تا شاهد نهادینه شدن مهربانی با طبیعت در بچه‌ها باشیم.



• ندا زمان فشعی

«ما انسان ها، همه ساله میلیاردها حیوان را می کشیم. اغلب کاری که می کنیم، موجب درد فیزیکی شدید در آنها می شود؛ آنها عموماً به اجبار به دنیا آورده می شوند تا در شرایط رفت باری زندگی کنند. در بسیاری از موارد، آنها کشته می شوند بدون آنکه فرصت ارضای بسیاری از اساسی ترین امیالشان را داشته باشند.»

متن فوق برگرفته از کتاب «حق حیوان، خطای انسان : در آمدی به فلسفه اخلاق»، نوشته تام ریگان است که اینجا معرفی می شود. تام ریگان، به همراه همسرش نانسی، از جمله فعالان در زمینه حقوق حیوانات هستند (ریگان در سال ۲۰۱۷ از دنیا رفت) و «بنیاد فرهنگ و حیوانات» (CAF) را در سال ۱۹۸۵ برای حمایت از حقوق حیوانات بنا نهادند. ریگان، فیلسوف آمریکایی و متخصص حقوق حیوانات است. او در دانشگاه دولتی کالیفرنمای شمالی، استاد فلسفه بود و چند اثر در زمینه حقوق حیوانات دارد؛ از جمله کتاب «موردی برای حقوق حیوانات» (۱۹۸۳)، چندین مقاله در حوزه حقوق حیوانات و همین کتاب حاضر.

تام ریگان: بهره کشی از حیوانات باید هر چه سریع تر و بدون هیچ پیش شرطی، به صورت کامل متوقف شود

نویسنده کتاب «حق حیوان، خطای انسان: در آمدی به فلسفه اخلاق» معتقد است ما انسان ها در سالیان متمادی تاریخ تمدن بشر، همواره در حال سوء استفاده و بهره کشی از حیوانات بوده‌ایم و این بهره کشی، باید هر چه سریع تر و بدون هیچ پیش شرطی، به صورت کامل متوقف شود. وی خود را در زمره کسانی می داند که به شکل افراطی (رادیکال) حامی حیوانات هستند. در آغاز کتاب، در رابطه با دیدگاه شخصی اش می گوید:

«من خود را در زمره کسانی می دانم که شورمندانه به حقوق حیوانات باور دارند. اما باور شورمندانه من از عاطفه کور یا فقدان احترام به عقل ناشی نمی شود، انسان ستمیزی که جای خود را دارد. باور من به حقوق حیوانات، به این دلیل است که معتقدم نظریه اخلاقی که در آن حقوق حیوانات تأیید می شود، از لحاظ عقلی رضایت بخش تر از نظریه‌هایی است که در آن حقوق حیوانات رد می شود.» او خود را حامی حیوانات و فعال در جنبش حقوق حیوانات می داند. این جنبش، سوداهایی برانداخته در سر دارد. این جنبش در پی اصلاح نحوه بهره کشی از حیوانات، یعنی انسانی تر ساختن آنچه ما نسبت به حیوانات صورت می دهیم، نیست، بلکه در پی پایان دادن به بهره کشی از آنهاست، چنان که به شکلی کامل، بدان خاتمه دهد. اهداف این جنبش عبارتند از:

- پایان کامل پرورش تجاری حیوانات
- پایان کامل صنعت خز
- پایان کامل استفاده از حیوانات در علم

در این معرفی اجمالی، سعی داریم از طرح مباحث فلسفی درباره حقوق حیوانات خودداری کرده و بر اشکال بهره کشی از حیوانات متمرکز شویم. ریگان می گوید من هم مانند دیگران در سال های جوانی و جوانی چیزی درباره ظلمی که به حیوانات وارد می شود نمی دانستم. وی در رابطه با اینکه در طول زندگی، دیدگاهش دچار چه تحولاتی شد می گوید که او هم مانند بسیاری دیگر از افرادی که در جوامع سنتی متولد شده اند، در خانواده ای رشد کرد که معتقد بودند خوردن گوشت برای سلامتی و بقای انسان ضروری است و پروتئین مورد نیاز بدن از طریق گوشت حیوانات تأمین می شود. باورها و گرایش های او در خصوص حیوانات، همان باورها و گرایش های مرسوم بود. وی سال ها گوشت حیوانات را می خورد بدون آنکه دغدغه حقوق آنها را داشته باشد. چیزی که باعث شد دیدگاه فکری او متحول شود، آغاز جنگ آمریکا با ویتنام بود. ریگان فکر کرد جنگ و به خصوص موضوع خشونت، می تواند زمینه هایی برای پژوهش فلسفی باشند. او نوشته های صلح طلبانه گاندی را مطالعه کرد و ضمن این مطالعه، متوجه شد که ما انسان ها با خشونت غیر ضروری، مثل جنگ ویتنام که در آن انسان ها قربانی بودند، مخالفت می کنیم و در عین حال، از همین نوع خشونت – خشونت غیر ضروری – زمانی که قربانیان آن حیوانات هستند، حمایت می کنیم. وی متوجه شد خوردن گوشت حیوانات، تأیید کننده کشتار آنهاست و این شیوه ای خشن برای مردن است. همچنین فهمید که انسان برای سالم بودن نیازمند گوشت نیست. وی در بخش هایی از کتاب درباره تأثیر گاندی بر خود می گوید:

«گاندی درس دیگری هم برای من داشت که چون زخمی التیام نیافته، چرکین شده بود. مردم در اینکه اخلاق را به شیوه سوم شخص زندگی کنند، هیچ مشکلی ندارند. این ادعا که فلالی و بهمانی کار نادرستی انجام می دهد و اینکه او باید انجام دادن را متوقف کند، کار آسانی است. دانشگاهیان، در این نوع درگیری اخلاقی در جهان مهارتی ویژه دارند. ما دوست داریم دور هم بنشینیم و درباره رئیس جمهور X یا سناتور Y که کارهای وحشتناک انجام می دهند، حق به جانب سخن بگوییم. اگر واقعا خیلی متأثر شویم، حتی ممکن



کندن موی خرگوش در حالت زنده



دوشنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۸- سال نود و چهارم - شماره ۲۷۲۲۹



کشتن روباه با استفاده از جریان برق برای سالم به دست آوردن پوست

بهره کشی از حیوانات ممنوع

می کرد. آیا این استفاده موجه بود؟ همه این پرسش ها در نهایت منجر شد به

اینکه او یک دیدگاه رادیکال درباره حمایت از حقوق حیوانات را بپذیرد.

ریگان انواع مختلف بهره کشی از حیوانات را شرح می دهد. اولین نوع بهره کشی، که شایع ترین نوعش هم هست، استفاده از حیوان به منزله خوراک

است. این استفاده هم چند نوع دارد. مثلاً در یک کاربرد لوکس آن، گوشت گوساله

صورتی که گوشت گوساله شیری هم نامیده می شود، به عنوان یکی از بهترین غذاها در بهترین و مجلل ترین رستوران ها سرو می شود. گوشت گوساله شیری به خاطر تردی اش مشهور است، با چنگال بریده می شود، نه غضروفی دارد و نه ماهیچه ای و آنقدر نرم است که در دهان آب می شود. اما این گوساله ها در چه شرایطی پرورش داده می شوند؟ گوساله هایی که وارد این صنعت می شوند، چند ساعت یا چند روز پس از تولد، از مادر جدا شده و سپس در حراجی به فروش رفته و تحویل خریداران پیمانی می‌شوند. مصرف آهن، باعث می شود رنگ گوشت گوساله از صورتی به قرمز تغییر کند. از دهه ۱۹۶۰ در آمریکا سیستم

جدیدی از تولید ارائه شد که گوساله های پروراری را قادر می ساخت تا چهار یا

پنج ماه زندگی کنند، بدون آنکه گوشتشان تغییر رنگ دهد و تردی و مطلوبیت خود را از دست بدهند. به این منظور، گوساله های پروراری شیرری را از مصرف آهن منع می کنند و آنها را در اصطبل های کوچک دارای نرده های چوبی نگه می دارند. البته مقداری آهن به شکل مایع در رژیم غذایی آنها وجود دارد که در سرتاسر دوره زندگی کوتاهشان از آن تغذیه می کنند. کل رژیم غذایی گوساله شیرری، همین است نه شیر مادرش. در اصطبل ها به گوساله ها افسار آهنی یا پلاستیکی می بندند تا از حرکت آنها جلوگیری کنند. وقتی وزن آنها به ۳۰۰ یا ۴۰۰ پوند رسید، این افسار را برمی دارند. این گوساله ها در آن فضای کم قادر به حرکت نیستند. آنها در اصطبل روی شبکه هایی با روکش آهن یا پلاستیک قرار دارند که روی آنها شکاف هایی برای تخلیه ادرار و مدفوع دیده می شود اما این شکاف ها در عمل به خوبی کار نمی کنند و حیوان زمانی که لم می دهد، روی فضولات خود دراز می کشد. زمانی که می‌ایستد، جای پاهایش روی شبکه لغزنده نامطمئنی است. گوساله از چرخیدن ناتوان است، نمی تواند خود را تمیز کند و فقط می آموزد که در یک مکان به مدت طولانی بایستد و به همین علت

- گاهی برای کشتن حیوان، از طریق مقعد، جریان برق وارد بدنش می کنند. طرز کار بدین صورت است: نخست**

گیره ای فلزی در اطراف پوزه حیوان بسته می شود. بعد سر میله فلزی رسانای برق وارد مقعد حیوان می شود. سپس کلیدی روشن می شود و حیوان در اثر جریان الکتریسیته از درون کباب می شود تا بمیرد. گاهی این روبه باید بارها تکرار شود تا حیوان کشته شود. با استفاده از این روش ها، پوست سالم به دست می‌آید

- زندگی در آزمایشگاه برای حیوان یک جهنم واقعی است. در آنجا، حیوانات پیش از آنکه بمیرند یا کشته شوند،**

کاملاً بیمار می شوند و علائمی چون اسهال، تشنج، خونریزی از دهان، چشم و مقعد را از خود بروز می دهند

طبیعت و تمدن

مشکلات جسمی، ناسازگای‌های روانی هم به همراه دارد. آنها مدام در قفس به جلو عقب می‌روند. به بالای دیوارهای قفس می‌پرند. اسیر کردنشان در شرایط غیر طبیعی و منع آنها از محیطی که بتوانند در آن امیال طبیعی خود را برای پرسه زدن و شنا کردن بروز دهند، باعث می‌شود وجوه مختلفی از روان رنجوری در بهترین حالت، و روان پریشی در بدترین حالت، در آنها مشاهده شود. برای آنکه پرورش آنها سود ده باشد، باید پوست شان سالم بماند. لذا برای کشتن شان از روش‌های رایج کشتار، مثل بریدن گلو، استفاده نمی‌شود. قاعده آن است که از روش‌های غیر تهاجمی، بدون استفاده از داروی بیهوشی بهره ببرند. در مورد حیوانات کوچک، مثل مینک، روبه معمول، شگستن گردن حیوان است. گاهی هم توسط مونواکسیدکربن یا دی اکسید کربن خفه می‌شوند. گاهی برای کشتن حیوان، از طریق مقعد، جریان برق وارد بدنش می‌کنند. طرز کار بدین صورت است: نخست گیره ای فلزی در اطراف پوزه حیوان بسته می‌شود. بعد سر میله فلزی رسانای برق وارد مقعد حیوان می‌شود. سپس کلیدی روشن می‌شود و حیوان در اثر جریان الکتریسیته از درون کباب می‌شود تا بمیرد. گاهی این روبه باید بارها تکرار شود تا حیوان کشته شود. با استفاده از این روش ها، پوست سالم به‌دست می‌آید.

مورد دیگر بهره کشی از حیوانات، آزمایش داروها روی آنهاست تا انسان از عوارض ناشی از مصرف داروها اطلاع کافی داشته و مصون بماند. در این نوع بهره کشی، فرض بر این است که داروهایی که درمورد حیوانات مؤثر و سالم هستند، وقتی انسان مصرف شان کند، مؤثر و سالم خواهد بود. اما ریگان معتقد است این فرض درست نیست، همه ساله هزاران آمریکایی بر اثر عوارض ناشی از داروها جان خود را از دست می‌دهند و دو میلیون نفر هم بستری می‌شوند. به علاوه، نود و نه درصد از عوارض مصرف داروها توسط پزشکان گزارش نمی‌شود. بنابراین، مدافعان زنده شکافی باید بتوانند ثابت کنند که مزایای این آزمایش‌ها روی حیوانات، بیشتر از معایبش است. همه می‌دانیم که مصرف سیگار عوارض ناگواری برای انسان دارد و علت اصلی سرطان ریه است اما آزمایش‌هایی که روی حیوانات انجام شده، هیچ رابطه علی‌ای بین مصرف سیگار و سرطان را نشان نمی‌دهد. روشن نیست که این آزمایش‌ها روی حیوانات واقعا حرف زیادی برای گفتن داشته باشند. به علاوه، مواد شوینده و لوازم آرایشی هم روی حیوانات آزمایش می‌شوند. نهادهایی قانونی، کارخانه‌های تولید کننده را ملزم می‌سازند تا پیش از ورود محصول به بازار، تست مسمومیت روی آنها انجام شود. این آزمایش‌ها در بسیاری از موارد به لحاظ قانونی الزامی نیستند و وقتی هم این‌ها می‌اند، هیچ آزمایش خاصی، اجباری نیست. یکی از این آزمایش‌ها، آزمایش LD۵۰ یا همان «دز کشنده» است که در پی درک این مطلب است که ماده مورد آزمایش، در چه دزی برای پنجاه درصد حیوانات مورد آزمایش، مرگ بار خواهد بود. در این آزمایش، ماده از طریق دهان وارد بدن حیوان می‌شود. مشاهده نتایج بیش از دو هفته طول می‌کشد و در طول این زمان، پنجاه درصد از حیوانات می‌میرند. حیوانات باقی مانده هم پس از آن کشته می‌شوند تا بدن‌های شکافته شده آنها بررسی شود. اگر ثابت شود که ماده آزمایش شده برای حیوانات سمی است، نیازی نیست که آن محصول از بازار دور نگه داشته شود. آزمایش‌های «دز کشنده» به شکل برچسب‌هایی با مضمون «در صورت بلعیده شدن ضرر یا مہلک هستند» خود را نشان می‌دهند. درست‌است که تولید کننده در برابر ایمن بودن محصول خود مسئولیت دارد، ولی آیا اتکا به این آزمایش‌ها، مسئولیت آنها را ادا می‌کند؟ آیا استفاده از حیوانات به منظور ادای این مسئولیت اخلاقی است؟ منتقدان این آزمایش‌ها، آنها را بسیار معیوب می‌دانند. نتایج به‌دست آمده، از آزمایشگاهی به آزمایشگاه دیگر و حتی در همان آزمایشگاه، از روزی به روز دیگر متفاوت هستند. جنس، سن، رژیم غذایی و گونه حیوان، روی این آزمایش‌ها اثر دارند. کارآمدی این آزمایش‌ها برای انسان بسیار ناچیز است. پزشکان و کارمندان بیمارستان در بخش فوریت‌های پزشکی، یعنی جایی که با مسمومیت سر و کار دارند، پیش از درمان بیمار از نتایج آزمایش «دز کشنده» استفاده نمی‌کنند. به علاوه، زندگی در آزمایشگاه برای حیوان یک جهنم واقعی است. در آنجا، حیوانات پیش ازآنکه بمیرند یا کشته شوند، کاملاً بیمار می‌شوند و علائمی چون اسهال، تشنج، خونریزی از دهان، چشم و مقعد را از خود بروز می‌دهند. تنها حیواناتی که در آزمایشگاه از آنها بهره کشی می‌شود موش‌ها هستند. این پرسش به لحاظ علمی همواره مطرح است که آیا باور به اینکه آنچه با استفاده از گرچه‌ها، سگ‌ها یا موش‌ها کشف می‌شود، می‌تواند بر انسان‌ها هم اطلاق شود، باوری معتبر است؟

ریگان از اینجا به بعد وارد بحث‌های فلسفی می‌شود تا حقوق حیوانات را ثابت کند. او نظریه‌ای به نام فلسفی، از جمله نظریه قراردادگرایی اخلاقی فضیلت گرا، اخلاق فایده گرایانه، اخلاق وظیفه گرایی کانتی را ناتوان از اثبات حقوق حیوانات می‌داند و معتقد است یک «دیدگاه حق محور» می‌تواند حقوق همه افرادی را که توانایی حیات داشته و از حیات ذهنی برخوردارند (از جمله کودکان، سالمندان، پرورش می‌یابند اغلب مینک، راکون، سیاهگوش و روباه هستند. در هر قفس تولید مینک، هستت حیوان وجود دارد. مینک‌ها حیواناتی شب رو هستند که به خاطر مهارتشان در شنا شهرت دارند. وقتی آنها را در قفس زندانی می‌کنیم، حس ماهی‌ای را دارند که از آب بیرون مانده. نگهداری آنها در قفس، علاوه بر شکل دیگر بهره‌کش‌ی از حیوانات در صنعت پوشاک است. همانطور که قبلاً گفتیم، در گذشته این باور وجود داشت که مصرف گوشت برای سلامتی و بقا ضروری است ولی حتی در آن زمان هم پوشیدن کت خزدار، برای بقای انسان ضروری نبود. صنعت مد، استفاده از پوست حیوان در پوشاک را توجیه می‌کند. در سال ۲۰۰۱ تعداد حیواناتی که در آمریکا برای صنعت خز کشته شدند تقریباً ۵/۴ میلیون حیوان بوده است. امروزه در صنعت خز، حیوانات را درجایی به نام «هزارع» پرورش می‌دهند که شبیه همان دامداری‌های ذکر شده در بخش قبل هستند. در مزارع تولید خز، قفس‌های مشبک به فاصله چند متر از زمین وجود دارند که حیوان را در آنها می‌گذارند. حیواناتی که اینجا پرورش می‌یابند اغلب مینک، راکون، سیاهگوش و روباه هستند. در هر قفس تولید مینک، هستت حیوان وجود دارد. مینک‌ها حیواناتی شب رو هستند که به خاطر مهارتشان در شنا شهرت دارند. وقتی آنها را در قفس زندانی می‌کنیم، حس ماهی‌ای را دارند که از آب بیرون مانده. نگهداری آنها در قفس، علاوه بر

می‌داند.



• ندا زمان فشعی

«ما انسان ها، همه ساله میلیاردها حیوان را می کشیم. اغلب کاری که می کنیم، موجب درد فیزیکی شدید در آنها می شود؛ آنها عموماً به اجبار به دنیا آورده می شوند تا در شرایط رفت باری زندگی کنند. در بسیاری از موارد، آنها کشته می شوند بدون آنکه فرصت ارضای بسیاری از اساسی ترین امیالشان را داشته باشند.»

متن فوق برگرفته از کتاب «حق حیوان، خطای انسان : در آمدی به فلسفه اخلاق»، نوشته تام ریگان است که اینجا معرفی می شود. تام ریگان، به همراه همسرش نانسی، از جمله فعالان در زمینه حقوق حیوانات هستند (ریگان در سال ۲۰۱۷ از دنیا رفت) و «بنیاد فرهنگ و حیوانات» (CAF) را در سال ۱۹۸۵ برای حمایت از حقوق حیوانات بنا نهادند. ریگان، فیلسوف آمریکایی و متخصص حقوق حیوانات است. او در دانشگاه دولتی کالیفرنای شمالی، استاد فلسفه بود و چند اثر در زمینه حقوق حیوانات دارد؛ از جمله کتاب «موردی برای حقوق حیوانات» (۱۹۸۳)، چندین مقاله در حوزه حقوق حیوانات و همین کتاب حاضر.

تام ریگان: بهره کشی از حیوانات باید هر چه سریع تر و بدون هیچ پیش شرطی، به صورت کامل متوقف شود

نویسنده کتاب «حق حیوان، خطای انسان: در آمدی به فلسفه اخلاق» معتقد است ما انسان ها در سالیان متمادی تاریخ تمدن بشر، همواره در حال سوء استفاده و بهره کشی از حیوانات بوده‌ایم و این بهره کشی، باید هر چه سریع تر و بدون هیچ پیش شرطی، به صورت کامل متوقف شود. وی خود را در زمره کسانی می داند که به شکل افراطی (رادیکال) حامی حیوانات هستند. در آغاز کتاب، در رابطه با دیدگاه شخصی اش می گوید:

«من خود را در زمره کسانی می دالم که شورمندانه به حقوق حیوانات باور دارند. اما باور شورمندانه من از عاطفه کور یا فقدان احترام به عقل ناشی نمی شود، انسان ستمیزی که جای خود را دارد. باور من به حقوق حیوانات، به این دلیل است که معتقدم نظریه اخلاقی که در آن حقوق حیوانات تأیید می شود، از لحاظ عقلی رضایت بخش تر از نظریه هایی است که در آن حقوق حیوانات رد می شود.» او خود را حامی حیوانات و فعال در جنبش حقوق حیوانات می داند. این جنبش، سوداهایی برانداخته در سر دارد. این جنبش در پی اصلاح نحوه بهره کشی از حیوانات، یعنی انسانی تر ساختن آنچه ما نسبت به حیوانات صورت می دهیم، نیست، بلکه در پی پایان دادن به بهره کشی از آنهاست، چنان که به شکلی کامل، بدان خاتمه دهد. اهداف این جنبش عبارتند از:

- پایان کامل پرورش تجاری حیوانات
- پایان کامل صنعت خز
- پایان کامل استفاده از حیوانات در علم

در این معرفی اجمالی، سعی داریم از طرح مباحث فلسفی درباره حقوق حیوانات خودداری کرده و بر اشکال بهره کشی از حیوانات متمرکز شویم. ریگان می گوید من هم مانند دیگران در سال های جوانی و جوانی چیزی درباره ظلمی که به حیوانات وارد می شود نمی دانستم. وی در رابطه با اینکه در طول زندگی، دیدگاهش دچار چه تحولاتی شد می گوید که او هم مانند بسیاری دیگر از افرادی که در جوامع سنتی متولد شده اند، در خانواده ای رشد کرد که معتقد بودند خوردن گوشت برای سلامتی و بقای انسان ضروری است و پروتئین مورد نیاز بدن از طریق گوشت حیوانات تأمین می شود. باورها و گرایش های او در خصوص حیوانات، همان باورها و گرایش های مرسوم بود. وی سال ها گوشت حیوانات را می خورد بدون آنکه دغدغه حقوق آنها را داشته باشد. چیزی که باعث شد دیدگاه فکری او متحول شود، آغاز جنگ آمریکا با ویتنام بود. ریگان فکر کرد جنگ و به خصوص موضوع خشونت، می تواند زمینه هایی برای پژوهش فلسفی باشند. او نوشته های صلح طلبانه گاندی را مطالعه کرد و ضمن این مطالعه، متوجه شد که ما انسان ها با خشونت غیر ضروری، مثل جنگ ویتنام که در آن انسان ها قربانی بودند، مخالفت می کنیم و در عین حال، از همین نوع خشونت – خشونت غیر ضروری – زمانی که قربانیان آن حیوانات هستند، حمایت می کنیم. وی متوجه شد خوردن گوشت حیوانات، تأیید کننده کشتار آنهاست و این شیوه ای خشن برای مردن است. همچنین فهمید که انسان برای سالم بودن نیازمند گوشت نیست. وی در بخش هایی از کتاب درباره تأثیر گاندی بر خود می گوید:

«گاندی درس دیگری هم برای من داشت که چون زخمی التیام نیافته، چر کین شده بود. مردم در اینکه اخلاق را به شیوه سوم شخص زندگی کنند، هیچ مشکلی ندارند. این ادعا که فلالی و بهمانی کار نادرستی انجام می دهد و اینکه او باید انجام دادن آن را متوقف کند، کار آسانی است. دانشگاهیان، در این نوع درگیری اخلاقی در جهان مهارتی ویژه دارند. ما دوست داریم دور هم بنشینیم و درباره رئیس جمهور X یا سناتور Y که کارهای وحشتناک انجام می دهند، حق به جانب سخن بگوییم. اگر واقعا خیلی متأثر شویم، حتی ممکن



کندن موی خرگوش در حالت زنده



دوشنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۸- سال نود و چهارم - شماره ۲۷۲۲۹



کشتن روباه با استفاده از جریان برق برای سالم به دست آوردن پوست

بهره کشی از حیوانات ممنوع

می کرد. آیا این استفاده موجه بود؟ همه این پرسش ها در نهایت منجر شد به

اینکه او یک دیدگاه رادیکال درباره حمایت از حقوق حیوانات را بپذیرد.

ریگان انواع مختلف بهره کشی از حیوانات را شرح می دهد. اولین نوع بهره کشی، که شایع ترین نوعش هم هست، استفاده از حیوان به منزله خوراک

است. این استفاده هم چند نوع دارد. مثلاً در یک کاربرد لوکس آن، گوشت گوساله

صورتی که گوشت گوساله شیری هم نامیده می شود، به عنوان یکی از بهترین غذاها در بهترین و مجلل ترین رستوران ها سرو می شود. گوشت گوساله شیری به خاطر تردی اش مشهور است، با چنگال بریده می شود، نه غضروفی دارد و نه ماهیچه ای و آنقدر نرم است که در دهان آب می شود. اما این گوساله ها در چه شرایطی پرورش داده می شوند؟ گوساله هایی که وارد این صنعت می شوند، چند ساعت یا چند روز پس از تولد، از مادر جدا شده و سپس در حراجی به فروش رفته و تحویل خریداران پیمانی می‌شوند. مصرف آهن، باعث می شود رنگ گوشت گوساله از صورتی به قرمز تغییر کند. از دهه ۱۹۶۰ در آمریکا سیستم

جدیدی از تولید ارائه شد که گوساله های پروراری را قادر می ساخت تا چهار یا

- گاهی برای کشتن حیوان، از طریق مقعد، جریان برق وارد بدنش می کنند. طرز کار بدین صورت است: نخست**

گیره ای فلزی در اطراف پوزه حیوان بسته می شود. بعد سر میله فلزی رسانای برق وارد مقعد حیوان می شود. سپس کلیدی روشن می شود و حیوان در اثر جریان الکتریسیته از درون کباب می‌شود تا بمیرد. گاهی این روبه باید بارها تکرار شود تا حیوان کشته شود. با استفاده از این روش ها، پوست سالم به دست می‌آید

- زندگی در آزمایشگاه برای حیوان یک جهنم واقعی است. در آنجا، حیوانات پیش از آنکه بمیرند یا کشته شوند، کاملاً بیمار می شوند و علائمی چون اسهال، تشنج، خونریزی از دهان، چشم و مقعد را از خود بروز می دهند**

مشکلات جسمی، ناسازگای های روانی هم به همراه دارد. آنها مدام در قفس به جلو عقب می روند. به بالای دیوارهای قفس می پرند. اسیر کردنشان در شرایط غیر طبیعی و منع آنها از محیطی که بتوانند در آن امیال طبیعی خود را برای پرسه زدن و شنا کردن بروز دهند، باعث می شود وجوه مختلفی از روان رنجوری در بهترین حالت، و روان پریشی در بدترین حالت، در آنها مشاهده شود. برای آنکه پرورش آنها سود ده باشد، باید پوست شان سالم بماند. لذا برای کشتن شان از روش های رایج کشتار، مثل بریدن گلو، استفاده نمی شود. قاعده آن است که از روش های غیر تهاجمی، بدون استفاده از داروی بیهوشی بهره ببرند. در مورد حیوانات کوچک، مثل مینک، روبه معمول، شکستن گردن حیوان است. گاهی هم توسط مونواکسید کربن یا دی اکسید کربن خفه می شوند. گاهی برای کشتن حیوان، از طریق مقعد، جریان برق وارد بدنش می کنند. طرز کار بدین صورت است: نخست گیره ای فلزی در اطراف پوزه حیوان بسته می شود. بعد سر میله فلزی رسانای برق وارد مقعد حیوان می شود. سپس کلیدی روشن می شود و حیوان در اثر جریان الکتریسیته از درون کباب می‌شود تا بمیرد. گاهی این روبه باید بارها تکرار شود تا حیوان کشته شود. با استفاده از این روش ها، پوست سالم به دست می آید.

مورد دیگر بهره کشی از حیوانات، آزمایش داروها روی آنهاست تا انسان از عوارض ناشی از مصرف داروها اطلاع کافی داشته و مصون بماند. در این نوع بهره کشی، فرض بر این است که داروهایی که درمورد حیوانات مؤثر و سالم هستند، وقتی انسان مصرف شان کند، مؤثر و سالم خواهد بود. اما ریگان معتقد است این فرض درست نیست، همه ساله هزاران آمریکایی بر اثر عوارض ناشی از داروها جان خود را از دست می دهند و دو میلیون نفر هم بستری می شوند. به علاوه، نود و نه درصد از عوارض مصرف داروها توسط پزشکان گزارش نمی شود. بنابراین، مدافعان زنده شکافی باید بتوانند ثابت کنند که مزایای این آزمایش ها روی حیوانات، بیشتر از معایبش است. همه می دانیم که مصرف سیگار عوارض ناگواری برای انسان دارد و علت اصلی سرطان ریه است اما آزمایش هایی که روی حیوانات انجام شده، هیچ رابطه علی ای بین مصرف سیگار و سرطان را نشان نمی دهد. روشن نیست که این آزمایش ها روی حیوانات واقعا حرف زیادی برای گفتن داشته باشند. به علاوه، مواد شونیده و لوازم آرایشی هم روی حیوانات آزمایش می شوند. نهادهایی قانونی، کارخانه های تولید کننده را ملزم می سازند تا پیش از ورود محصول به بازار، تست مسمومیت روی آنها انجام شود. این آزمایش ها در بسیاری از موارد به لحاظ قانونی الزامی نیستند و وقتی هم این آزمایش اند، هیچ آزمایش خاصی، اجباری نیست. یکی از این آزمایش ها، آزمایش LD۵۰ یا همان «دز کشنده» است که در پی درک این مطلب است که ماده مورد آزمایش، در چه دزی برای پنجاه درصد حیوانات مورد آزمایش، مرگ بار خواهد بود. در این آزمایش، ماده از طریق دهان وارد بدن حیوان می شود. مشاهده نتایج بیش از دو هفته طول می کشد و در طول این زمان، پنجاه درصد از حیوانات می میرند. حیوانات باقی مانده هم پس از آن کشته می شوند تا بدن های شکافته شده آنها بررسی شود. اگر ثابت شود که ماده آزمایش شده برای حیوانات سمی است، نیازی نیست که آن محصول از بازار دور نگه داشته شود. آزمایش های «دز کشنده» به شکل برچسب هایی با مضمون «در صورت بلعیده شدن ضرر یا مہلک هستند» خود را نشان می دهند. درست است که تولید کننده در برابر ایمن بودن محصول خود مسئولیت دارد، ولی آیا اتکا به این آزمایش ها، مسئولیت آنها را ادا می کند؟ آیا استفاده از حیوانات به منظور ادای این مسئولیت اخلاقی است؟ منتقدان این آزمایش ها، آنها را بسیار معیوب می دانند. نتایج به دست آمده، از آزمایشگاهی به آزمایشگاه دیگر و حتی در همان آزمایشگاه، از روزی به روز دیگر متفاوت هستند. جنس، سن، رژیم غذایی و گونه حیوان، روی این آزمایش ها اثر دارند. کارآمدی این آزمایش ها برای انسان بسیار ناچیز است. پزشکان و کارمندان بیمارستان در بخش فوریت های پزشکی، یعنی جایی که با مسمومیت سر و کار دارند، پیش از درمان بیمار از نتایج آزمایش «دز کشنده» استفاده نمی کنند. به علاوه، زندگی در آزمایشگاه برای حیوان یک جهنم واقعی است. در آنجا، حیوانات پیش ازآنکه بمیرند یا کشته شوند، کاملاً بیمار می شوند و علائمی چون اسهال، تشنج، خونریزی از دهان، چشم و مقعد را از خود بروز می دهند. تنها حیواناتی که در آزمایشگاه از آنها بهره کشی می شود موش ها هستند. این پرسش به لحاظ علمی همواره مطرح است که آیا باور به اینکه آنچه با استفاده از گر به ها، سگ ها یا موش ها کشف می شود، می تواند بر انسان ها هم اطلاق شود، باوری معتبر است؟

ریگان از اینجا به بعد وارد بحث های فلسفی می شود تا حقوق حیوانات را ثابت کند. او نظریه ای به نام نظریه قراردادگرایی اخلاقی قضیلت گرا، اخلاق فایده گرایانه، اخلاق وظیفه گرایی کانتی را ناتوان از اثبات حقوق حیوانات می داند و معتقد است یک «دیدگاه حق محور» می تواند حقوق همه افرادی را که توانایی حیات داشته و از حیات ذهنی برخوردارند (از جمله کودکان، سالمندان، پرورش می یابند اغلب مینک، راکون، سیاهگوش و روباه هستند. در هر قفس تولید مینک، هستت حیوان وجود دارد. مینک ها حیواناتی شب رو هستند که به خاطر مهارتشان در شنا شهرت دارند. وقتی آنها را در قفس زندانی می کنیم، حس ماهی ای را دارند که از آب بیرون مانده. نگهداری آنها در قفس، علاوه بر

می داند.



روایتی از لابلای خاطره و خیال ...

پرنده‌ها...



● سیدمسعود رضوی

و قیل و قال می‌کردند. از سروصدایشان قیامتی برپا شده بود. در اسطوره‌های قدیم بابلی، نخستین برادران که هابیل و قابیل اند، به جان هم افتاده تا قابیل هابیل را می‌کشد و آنگاه که می‌اندیشد چگونه پیکر بی‌جان برادر را پنهان سازد، کلاغی با نوک زمخت خویش از راه می‌رسد و زمین را می‌شکافد، این گونه قابیل می‌آموزد که هابیل را در قبر بگذارد و کفنی از خاک را بر تنش بپوشاند. شاید در پی همین گزارش بود که دکتر شریعتی در یکی از همان خطابه‌های معروفش گفت: کلاغان ... این راویان دروغ‌های تاریخ ...

اما من این سخن را نپسندیدم و به یاد شعر معروف و زیبایی بامداد افتادم:

هنوز در فکر آن کلاغم در دره‌های یوش / با قیچی سیاهش / بر زردی برشته گندمزار / با خش خشی مضاعف / از آسمان کاغذی مات / قوسی برید کج ...

کلاغ‌های من، امروز یک جفت بودند. مشاعره می‌کردند، حرف‌های عاشقانه و قارقارهای دلربا داشتند. یکی می‌گفت و آن یک پاسخ می‌داد. گریه‌های خانه، شمن و بودا، سراسیمه به ایوان کوچک و حصار زده پدیدند و مرنوکشان به کلاغ‌ها پاسخ می‌دادند؛ گاهی چنگی به توری حصار می‌زدند و من البته آرام و بی‌سر و صدا نوازششان می‌کردم تا مبادا آن مرغان دلاده راز بام روبه‌رو ترسان کنند و بگوچانند؛ مبادا ببرند و دیگر باز نگردند:

مرنجان دلم را که این مرغ وحشی

ز بامی که برخاست مشکل نشیند
گریه‌ها، البته به سبک و سیاق خود هیچ‌ان زده بودند و بازی می‌کردند، تا آن که سرانجام لحظه وداع کلاغان رسید، نمی‌دانم به سوی لانه رفتند یا دانه یا به سوی دسته دوردستی از کلاغ‌های دیگر در چنارستان‌هایی که نمی‌دانم کجاست ...
آندره مالرو در کتاب بی‌همتا و یگانه‌اش به اسم «ضد خاطرات»،

مدتها بود که کلاغ‌ها را دیگر نمی‌دیدم. جایی خواندم که کلاغ‌های تهران از آلودگی هوا و سروصدای ناهنجار، رنجیده‌اند و شهر را رها کرده و کوچیده‌اند. حتماً حصه‌ای از حقیقت در این روایت هست و گر نه خاطرات این شهر و چنارهای کهنسال و بلند قامتش پر است از قارقار کلاغ‌ها و زاغ‌های سیاه‌تر از شب‌های تیره‌گون.

اما امروز صبح زود، یعنی در همان هنگامه طلوع آفتاب که نخستین تیغ‌های خورشید برای بیرون زدن از روزن قله‌ها بی‌قراری می‌کنند، دو کلاغ با سروصدای شگفت‌انگیزشان مرا بیدار کردند. صبح تازه‌ای سر بر زده بود از دل بهار ... از همان سحرهای شاعرانه که به قول شیخ سعدی:

بامدادان که تفاوت نکند لیل و نهار

خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار
برخاستم و به ایوان رفتم، هنوز ماه از صفحه آسمان بیرون نرفته بود و خورشید چینه‌های دامن زرد خود را افشان نکرده بود:

تیره زن بزد طبل نخستین

مه و خورشید را بینم مقابل
زمانی، روبروی همین پنجره و ایوانک کوچکمان، افقی باز بود که از بلندای تهرانپارس تا تپه ماهور و جنگل‌های سرخه حصار را می‌دیدم. اما حالا صفحه عظیم و بدرنگ سیمانی یک ساختمان زشت - که رواز ما برگرانده و به سوی خیابان پایینی می‌نگرد - افق را بسته و نگاره‌های دوردست را از دیدرس ربوده؛ همانند دیواره زندان و حصاری بی‌روزن است. بالای همین برجک سیمانی، امروز صبح دو کلاغ ماجراجویی داشتند

پس از نبردی چهل و هشت ساعته که از دل تانکی واژگون شده بیرون می‌آید و به شکلی معجزه‌آسا زنده می‌ماند، به روستایی پناه می‌برد و در طویله‌ای که نمی‌داند کجاست از خستگی می‌خوابد. صبحگاهان که برمی‌خیزد، وقتی به کوچه و جاده و خانه‌ها می‌رسد، گویی جهان دوباره خلق شده و همه چیز برایش تازه‌گی دارد. او با سخنی زیبا و این تصویر که از بهترین فیلم‌ها و صحنه‌های نمایش زنده‌تر است، آن لحظات را وصف می‌کند:

«چند کبوتر چاهی پریدند و گریه‌ای را چنگ انداخته بر انتهای جست بی‌هوده خویش بر جای نهادند ...»

شاید با این توصیفات پرندگان را در فیلم معروف آلفرد هیچکاک به یاد آورید. هیچکاک، استاد روانکاوی و حکیم تصویرهای مضطربانه انسان در قرن بیستم است که تمامی اوهام و آمال و هراس‌های ما را، یکباره در صحنه‌ای یا نگاهی یا تک‌گفتار کوتاهی به هم می‌ریزد، کالبد شکافی می‌کند و دوباره ما را به خودمان می‌آورد، باز می‌گرداند، درونکاو می‌کند و گویی آنچه هستیم و بودهایم را بازگویانه و سرنوشتمان را پیشگویانه به ما می‌آموزد.

پرندگان، در آن فیلم درخشان، کابوسی هستند که به جان ما افتاده‌اند. کنایه‌ها و استعاره‌هایی که روان مضطرب آدمی را تصویر می‌کنند. تنها با دسته دسته بر شاخسارها و سیم‌ها و میله‌های خشک و خاکستری منتظر طعمه‌اند. منتظر حمله به جان و تن و روح و روان من و شما. در فرهنگ عرفانی ما، روح و جان به مرغی تشبیه شده‌است که از زهدان حقیقت و عالم مثال برون افتاده و راه رجعت و رستگاری را گم کرده‌است. علی‌القاعده با چنین پیشینه و معرفت عرفانی، ما می‌توانیم یا باید بهتر بدانیم استاد سینما چه می‌خواهد بگوید و منظورش مرغ باغ ملکوت نیست، اما کدام پرندۀ رمیده و رهیده است؟

همیشه این پرسش را از خود پرسیده‌ام که چرا این همه، مرغان در شعر پارسی ناله و نوحه می‌کنند و «ناله مرغ اسیر» از بهر چیست؟





و چهچاه می کردند و خروش چکاوک‌ها که انگار به سروشی از آسمان پاسخ می‌دهند در گوشم جاری است. تمامی زندگی کوچک و بی پیرایه و روزگار خانه بدوشانه ما بر آواز پر چلچله‌ها بود.

مدتی بعد من تنها ماندم و همان بازی را تکرار می‌کردم. یک روز صدای اندوهگینی را لابلای صداهای متناوب پرندگانم تشخیص دادم. صدا از پایین درختان بود. خوب تفحص کردم، دیدم طوطی کوچک سبز رنگی با کاکل و نوک خنایی در اتاق طبقه اول در قفس است و او هم همراه دیگر پرندگان ناله حزینی سر می‌داد. صدای قناری‌ها را تقلید می‌کرد، اما چنان محزون که می‌شد تفاوت هنجار و اصواتش را شناخت. چنان دلگزا بود که تصمیم گرفتم بروم و به صاحب اتاق بگویم رهش کند. اما نتوانستم، زیرا طوطی همدم دانشجویی افسرده احوال و شوریده سر بود. جانباز شیمیایی جنگ و انسانی باصفا و مروت و چنان دلخوش به طوطی که جز ستایش و تعریف و تمجید از پرندۀ نتوانستم چیزی بگویم. اتفاقاً دوست شدیم و من مدام به او و طوطی سر می‌زدم. طوطی گاهی صدای مرا هم می‌شناخت و ادا درمی‌آورد.

دانشجو که اسمش آقا ولی بود، مدتی بعد طوطی را رها کرد و خود نیز برای معالجات بیشتر بستری شد و از قضا من هم مدتی از آن خانه و اتاق دور شدم. پاییز داشت به آخر می‌رسید که بازگشتم تا واسلیم را بردارم؛ اتاق قفل شده و تاریک انگار انتظارم را می‌کشید. وقتی بازگشتم، سوز سرمای زودرس را می‌شد حس کرد، اما به یاد همان ایام باصفا، پنجره را گشودم و روبه برگ‌های زرد و نارنجی یا قهوه‌ای سوخته‌ای که تک و تک و توک بر درخت‌ها مانده بود، ضبط صوت کوچک را وانهادم و نوای پرند را دوباره به صدا در آوردم. سکوت بود و واهمه‌آلود پاییزی که در لابلای درخت‌ها می‌پیچید. ناگهان صدای قارقار کلاغ‌ها ... درست یک جفت، مثل کلاغ‌های امروز من، اما حوصله‌شان از تار ذوالفنون سرفت و پریدند.

من رفتم بیرون دست و رویی شستم و آب آوردم تا چای عصرگاهی قبل از شام آخر را دم کنم که ناگاه صدای آشنایی شنیدم. جلو رفتم و در لابلای برگ‌های ترنجیده از رنجش سرمای آخر پاییز، رنگ‌های سبز و توک خنایی طوطی کوچکی را که مثل خفاش‌ها آویزان شده بود تشخیص دادم. همان طور که نوای پرند ادامه داشت، او آرام از زیر به روی شاخه آمد و به صدای تار پاسخ داد. همان صدا بود، اما انگار اینک به زحمت و ماجرا از حلقوم زخمی بیرون می‌آمد. نیم تایی دیگر پنجره را هم گشودم، شاخه‌ها به داخل هجوم آوردند و پرندۀ اول با هراس و لرزان و سپس لی‌لی‌کنان وارد اتاق شد.

خودش بود؛ طوطی آقا ولی، اما اینجا چه می‌کرد، اینک و این همه وقت، پشت پنجره بسته‌ی اتاق‌ها مانده بود. گویا در انتظار، اما چه انتظاری؟! صدایش مرا به یاد مرغ حق صادق هدایت در سه قطره خون می‌انداخت و احوالش مرا به یاد شعرهای پیشین: ... در دام مانده باشد، صیاد رفته باشد / ... قفسم برده به باغی و دلم شاد کنیید ...

طوطی به داخل اتاق آمد، نان ریزه برایش ریختم و آب؛ خورد و به پرند گوش داد و سپس خوابید. روی کت فرسوده کهنه‌ام به خواب رفت. او را گرفتم و نوازش کردم. البته نیاز به مراقبت نبود زیرا جایی نمی‌رفت. مرا هم می‌شناخت. طوطی را به درمانگاه دامپزشکی دانشگاه تهران در همان چهارراه دامپزشکی بردم که یکی از دوستان پیشنهاد و معرفی کرد. در آنجا رزیدنت باهوش و برازنده‌ای که بانویی شیفته پرندگان بود، طوطی را معاینه کرد و گمانم تشخیص داد که دچار سرماخوردگی مزمن و چیزی شبیه برونشیت شده؛ قطره‌ای داد که بچکانم در آب و غذایش و البته گفت که مرضش خیلی جدی و پیشرفته است.

درست می‌گفت، زیرا طوطی دوسه هفته بعد مُرد. در آن لحظاتی که مریض بود و من با امیدی بیهوده قطره را در آب می‌ریختم، اتفاقاً داستان داش‌اکل را می‌خواندم. یادگار داش هم یک طوطی بود که عشق را فریاد می‌زد و تنها یادگار لوطی سالخورده و زخم‌دیده بود که برای مرجان فرستاد ...

طوطی من، اما در قفس نمرد، آزاد بود و در خانه کوچکی که در شاه عبدالعظیم کرایه کرده بودم راه می‌رفت و پرند گوش می‌داد و گاهی در سکوت لابلای پرده‌ها و زخمه‌ها، فغانی سر میداد و فریادی می‌کشید، گویی سه قطره خون از حنجره‌اش خواهد چکید. با این همه در لحظه‌ای ساکت که آنجا نبودم، آرام رفته بود روبه‌روی آینه چوبی کهنه، روی همان کت قدیمی تیره، خوابیده بود و انگار در آینه به جلوه‌گری‌های بیهوده این دنیا پوزخندی زده بود. ردّ کوژ و قوس‌آلود پوزخند روی نوک خنایی مانده و از آنجا به گوشه چشمش می‌رسید. قطره‌های اشک من بال‌های لطیف و زیبای همیشه بهارش را خیس کرد.

۲۰ خرداد ۱۳۹۸ / صبحگاهی در تهران

عالم باز می‌شد. در پاگرد پشت‌بام طبقه سوم دو اتاق بود و درختی عظیم که شاخه‌هایش پنجره را باز می‌کرد و توفانی از برگ‌ها و شاخه‌ها را به داخل اتاق می‌ریخت و می‌پاشاند و می‌افشاند. مهندس سلطانی کارهای ابتکاری فراوان می‌کرد و هیچ گرهی نبود که به فکر خلاق و ذهن مبتکر و هوش سرشارش گشوده نشود. با یک المنت ساده هیتر برقی و اتو درست می‌کرد و رادیوی کهنه‌ای را به ساعت شماتله‌دار وصل می‌کرد تا لحظه اذان روشن شود و بعد هم یکی از لامپ‌ها خودبخود روشن می‌شد و حمام کوچکی ساخته بود که وانش یک تشت مسی بزرگ بود و هرچه نیاز بود می‌ساخت و هر کمبودی را به احسن وجه جبران می‌کرد. آن روزها، من ادبیات فارسی می‌خواندم و اتاق ۴۷ آکنده بود از فردوسی و سعدی و حافظ و مولانا، حتی جوانانه و خیره‌رسانه گاهی به استاد عنصری و مسعود سعدسلیمان خرده می‌گرفتم و یا از دشواری‌های قصاید خاقانی شکایت می‌کردم؛ غافل ای دل که نگارند این‌ها ...

اما اوج خلاقیت‌هایی که در ذهنم مانده، ابزار و ماجرای بود که به پرندگان مربوط بود؛ ضبط صوت کوچکی از همین انواع آخر و اخیر ریلی و به اصطلاح ضبط خبرنگاری که به قدر یک کف دست بودند (و هنوز امپی‌تری و فور و امثال این ابزارهای مینیاتوری دیجیتال که هزار ساعت حافظه هم دارند در کار نبود) و نوارهای ریلی را داخلش می‌گذاشتیم و چه قیامتی به پا می‌شد و بیدادی بر جان و دل می‌رفت، در هنگامه‌ای که «بیداد» استاد شجریان - ادام‌الله عزته و بقائه - منتشر شد و سپس «نوا» به بازار آمد و پرسش از دلبر شیرین که: دوش کجا بوده‌ای؟ ...

هنوزم از خاطر نرفته، که پس از یک دوران قنرت و فرود، به همت

• چرا این همه، مرغان در شعر پارسی ناله و نوحه می‌کنند و «ناله مرغ اسیر» از بهر چیست؟
• در اواخر دهه شصت «پرند»، از زخمه سه‌تار جلال ذوالفنون به بازار آمد
• «پرند» حال و هوای خاصی داشت و خُرنی که بیشتر در سکوت‌های لابلای پرده‌ها در میانه صدا و نواخت سه‌تار خودنمایی می‌کرد

بزرگان و سرآمد همه، به تحریر آواز و اکسیر نوای استاد محمدرضا شجریان، یکباره موج تازه‌ای برآمد و هنر اصیل آواز و موسیقی سنتی را دوباره برکشید و در دل و جان‌ها جای داد. انگار گمشده و غریزی بود که به خانه بازگشته و از هر کنج و کناری می‌شد تقریر سنتی و تحریر اصیل را شنید و تشخیص داد. موسیقی ایرانی، یعنی همان نواهای اصیل و برآمده از ژرفای فرهنگ و فغان ایرانی به اوج و موج‌های تازه‌ای رسید؛ از صفای تار درویش خان و صدای عارف تا نوای دلکش تار شهناز و صوت دلنشین صدیق تعریف، گویی مسیر موسیقی بازگشوده شد. اندکان‌دک و شورانگیز شهرام ناظری، آوازهای بسطامی فقید و آثار ماندگار دیگر، یکی یکی از راه رسیدند و بر دل نشستند. مدتی بعد، در اواخر دهه شصت «پرند»، از زخمه سه‌تار جلال ذوالفنون به بازار آمد. اسم این نوا و نوار مرا به وادی دیوان فرخی سیستانی می‌برد:

چون پرند نیلگون بر روی پوشد مرغزار

پریان هفت رنگ اندر سر آرد کوهسار
«پرند» حال و هوای خاصی داشت و خُرنی که بیشتر در سکوت‌های لابلای پرده‌ها در میانه صدا و نواخت سه‌تار خودنمایی می‌کرد. مهندس سلطانی، هر روز صبح و عصر، نوار پرند را داخل همان ضبط صوت فکسنی که واقعاً شکسته دل و وصله و پینه شده و هزار بار تعمیر رفته بود، می‌گذاشت و دکمه پخش را فشار می‌داد. در این لحظه روی لبه پنجره‌ای که شاخسار درخت عظیم گردویی چسبیده به بیدی مجنون و فرورفته در گره‌گاه‌های توتی کهنسال و احاطه شده با چندین چنار قدیمی به درون اتاق سر آورده بود، ذوالفنون آتشی برپا می‌کرد.

چون نوای سه‌تار نواخته می‌شد، سکوتی عظیم بر درختان حاکم بود، اما یک فاصله که میان هر نواخت بود، موسیقی مقابل را به جوش و خروش درمی‌آورد. پرندگان، یعنی صداهای لیل و قناری و گنجشک و سهره و پرستو شروع به چهچه و ناله و خروش می‌کردند. دوباره پرند می‌زد و آنها ساکت می‌شدند و دوباره سکوت می‌شد و آنها پاسخ می‌دادند. چگونه وصف کنم چیزی را که باید دید ... باید شنید! این داستان صبح و عصر ما بود در آن اتاق کوچک و در خاطرات گم شده آن ایام.

هنوز صدای بلبلان و قناری‌ها که یکباره در جواب ذوالفنون چهچهه

چرا مرغان در بیشه ادبیات ما چنین بی‌قرارند:

همای گو مفکن سایه شرف هرگز

در آن دیار که طوطی کم از زغن باشد

یا:

مرغان قفس را آملی باشد و شوقی

کان مرغ نداند که گرفتار نباشد

این همه از قفس و گرفتار آمدن در بند و زندان و پیکر سخن‌ها گفته‌اند و نالیده‌اند. رنگین کمان این جهان با عظمت و وسعتش، هیچ و پوچ است در برابر آن عالم مثالی، اثیری، آن ملکوتی که سرزمین عشق است و سریر معشوق بر آن قرار گرفته تادل عاشق را بیقرار کند ... چند روزی قفسی از بدنم ساخته‌اند ... چگونه چنین تصاویری از قفس و چنین ادراکی از پرندگان پدید آمده است؟

من خود این سنگ به جان می‌طلبیدم همه عمر

کاین قفس بشکند و مرغ به پرواز آید

و زیباتر و آشناتر:

ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد

در دام مانده باشد، صیاد رفته باشد!

این مرغک خرد و هراسان چه می‌خواهد و چرا اسیر شده است؟
من نگویم که مرا از قفس آزاد کنی

قفسم برده به باغی و دلم شاد کنی ...

استاد بهار چرا چنین تصویر دلگرا و غریبی از پرندۀ اسیر داده؟ گاهی در خلوت فکر کرده‌ام که این استعاره، از فرط تلخی، مضحک و خنده‌دار شده است. اما من در میان تمامی شعرهای ناب بهار، «مرغ سحر» را عاشقانه دوست می‌دارم، همان که از آزادی می‌گوید و نوید هجرت روز و آشوب شب‌شکن آفتاب را داده است، همان که نیاپش می‌کند:

ای خدای ای فلک، ای طبیعت / شام تاریک ما را سحر کن ...

جدای از این شعر، در حال و هوایی دیگر، شعر کبوتران بهار هم زیباست و نمی‌دانم - ولی انگار می‌دانم - در آنجا چرا آن همه تصویرهای زیبا را درهم آمیخته تا تنهایی خود را چاره کند یا ادای دین کند به پرندگانی که بام خانه را آکنده و آسمان دلش را زنده کرده‌اند:

بیایید ای کبوترهای دلخواه

بدن کافورگون پاها چوشنگرف

بیزید از فراز بام و ناگاه

به گرد من فرود آید چون برف

سحرگاهان که این مرغ طلایی

فشاند پر ز روی برج خاور

بینمندان به قصد خودنمایی

کشیده سر ز پشت شیشه در

کف اندر کف زنان و رقص رقصان

نشینید از بر این سطح آرام

که اینجا نیست جز من هیچ انسان ...
از غوغای دو کلاغ صبحگاهی بر بام سرد خانه‌ای که مثل ابوالهول

از سیمان و دود قد کشیده‌است، مرغ دلم پر کشید و به سوی پرندگان آسمان و مرغان شاعران رفت. خاطره‌ها زنده شد و از در و دیوار به سویم پرواز کرد. از میان هزارها خاطره، ابتدا به یاد شب‌های برف گرفته و روشن از مهتاب در کوهستان‌های پایین دست البرز، اطراف اشتران کوه می‌افتم که دل به کوه و برف می‌زد تا در غار کوچکی بر بلندای کوهپایه‌ای - به قول محلی‌ها: اشکفت یا مغاره‌ای - که پناهگاه رهروان و کوهنوردان بود آتشی روشن کنم و نان و خرمایی بخورم.

قوری کوچک حلبی را هم بر روی آتش کوچک به خاطر دارم و سپس نیمه شب که مهتاب چهاردهمین شب ماه قمری سر برمی‌زد و دامنه‌های برف گرفته و پاکیزه را همچون شب‌چراغی بی‌انتهاروشن می‌کرد؛ بازی رویاهان و گله‌های کبک‌ها را می‌دیدم که در پی هم می‌دویدند و آخر سر زوزه آلفای گله‌ای از گره‌های کوهستان همه را می‌رماند و به لانه و پناهگاه می‌کوچاند. همان لحظه من هم به پناهگاه می‌رفتم و سنگ آسیای سپید را اندکی می‌چرخاندم تا بسته شود ...

اما زیباترین پرندگانی که در خیالم پرواز می‌کنند، به خاطره‌هایی در روزگار جوانی و دانشجویی باز می‌گردند. در خوابگاه امیرآباد یا همان کوی دانشگاه، درختان بی‌نظیری بود و گمانم هنوز تمه‌ای یا بسیاری از آن درختان ستبر باقی مانده‌است. همه‌جور درختی بود و ما، یعنی من و دوست مبتکر و خلاقم، مهندس مجتبی سلطانی (در اتاق ۴۷، بالای پشت‌بام ساختمان چهار) پنجره‌ای داشتیم که رو به زیباترین و باشکوه‌ترین درختان

چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز یکشنبه ۲۴ تیرماه ۱۳۵۸ (برابر با بیستم شعبان ۱۳۹۹، پانزدهم ژوئیه ۱۹۷۹) نقل شده است

اداره رادیو تلویزیون شورانی شد

در پی فرمان امام خمینی مبنی بر نظارت حجت الاسلام موسوی بر امور رادیو تلویزیون، صادق قطب‌زاده سرپرست صداوسیما جمهوری اسلامی در اطلاعیه‌ای که دیشب انتشار یافت، تلویحا اعلام داشت که از این پس رادیو تلویزیون بصورت شورایی اداره خواهد شد. در این اطلاعیه همچنین اسامی اعضای این شورا آمده است.

متن اطلاعیه مذکور بشرح زیر است:

بسمه تعالی

بنابدستور رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی و خواست دولت موقت جمهوری اسلامی ایران شورایی جهت تعیین خط مشی‌های سازمان و نظارت بر آنها از تاریخ ۵۸/۲۳ تشکیل گردید. اعضای این شورا با شرکت خودداینجانب عبارتند از آقایان سیدمحمد موسوی، سیدمحمد خاتمی، عبدالرحیم گواهی، ابراهیم پیراینده

افراد بی بضاعت هزینه معالجه نخواهند پرداخت

امروز طرح طب ملی در یک کنفرانس مطبوعاتی از سوی دکتر سامی وزیر بهداشتی برای آگاهی مردم و اظهار نظر صاحب نظران در اختیار نمایندگان رسانه‌های گروهی قرار گرفت.

دکتر سامی وزیر بهداشتی در این جلسه اعلام کرد: مردم و صاحب نظران یکماه فرصت دارند تا نظرات خود را درباره طرح مزبور برای وزارت بهداشتی ارسال دارند. وی افزود: در طب ملی سهمی از مشارکت مالی برای مردم در نظر گرفته خواهد شد و پرداخت فرانشیز با حق سهم بیمار در درمان وجود خواهد داشت، ولی برای افرادی که قادر به پرداخت فرانشیز نباشند درمان با همان کیفیت برایشان رایگان خواهد بود.

توطئه ترور امیر انتظام بوسیله گروه فرقان شکست خورد

امروز کسب اطلاع شد که سوء قصد بجان عباس امیر انتظام سفیر جمهوری اسلامی ایران در سوئد توسط گروه فرقان عقیم ماند.

یک گروه سه نفری از اعضای فرقان که از مدت‌ها قبل برای ترور امیر انتظام طرح‌ریزی کرده بودند ساعت چهار و بیست دقیقه بعد از ظهر روز چهارشنبه گذشته که برای چندمین بار به منظور شناسایی وی به محل سکونتش واقع در بزرگراه تقاطع جردن در بزرگراه تقاطع جردن مراجعه کردند توسط گروه ضربت نخست‌وزیری به دام افتادند. گروه ضربت نخست‌وزیری پس از پی گیری موفق شناساند یکی از اعضای گروه سه نفری فرقان را دستگیر نمایند. ولی دو نفر دیگر با یک اتومبیل آریا سفید رنگ که سقف مشکی دارد موفق به فرار شدند.

مربیان به آتش و خون کشیده شد

سندج - خبرنگار اطلاعات شهر مرزی مریان قبل از ظهر دیروز به صحنه زد و خورد خونینی بین پاسداران انقلاب و گروه‌های مسلح تبدیل شد.

آخرین گزارش در مورد تلفات این درگیری حاکی است که ۲۶ نفر از طرفین کشته شده‌اند و حدود ۶۰ نفر هم جراحات هولناکی برداشته‌اند.

دیروز صبح گروه‌های مختلف در مریان به عنوان اعتراض به گزارش‌های رادیو تلویزیون از منطقه کردستان، دست به تظاهرات و راهپیمایی زدند.

یک گروه ۳۰۰ نفری که همگی مسلح بودند در ساعت ۱۰ صبح به مقابل ساختمان کمیته انقلاب اسلامی مریان رسیدند. گفته می‌شود افراد مسلح از پاسداران مستقر در کمیته خواستند تا سلاح‌های خود را تحویل دهند و به دنبال آن درگیری بین طرفین آغاز شد.

مشکین شهر صحنه برادر کشی شد

دیروز و دیشب شهر مشکین شهر یکپارچه آتش و خون بود و در برخورد و حمله مسلحانه روستائیان به مردم متحصن در مقابل فرمانداری این شهر، گروه زیادی کشته و مجروح شدند.

صبح دیروز در پی تحصن گروهی از روستائیان در مشکین شهر، مردم این شهر بازار و مغازه‌ها را تعطیل کردند و به راهپیمایی و تظاهرات در خیابانها پرداختند. راهپیمایان سپس در مقابل فرمانداری مشکین شهر اجتماع کردند و ضمن خواست‌های ۶ ماده‌ای خود دست به تحصن زدند. ظهر دیروز متحصنین توسط پاسداران محاصره شدند و درگیری شدید بین دو طرف بوجود آمد و پاسداران مجبور به عقب‌نشینی شدند.

برای اعطای پناهندگی به شاه سادات زمینه‌سازی میکند

وزارت امور خارجه امروز نظر خود را در مورد پیشنهاد انور سادات رئیس جمهور مصر برای اعطای پناهندگی سیاسی به شاه مخلوع ایران اعلام داشت سخنگوی این وزارت گفت: اعطای پناهندگی به شاه مخلوع از جانب دولت مصر بمنزله مخالفت صریح و آشکار دولت مصر با ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران است.

سخنگوی وزارت خارجه گفت: سادات برای آماده کردن افکار عمومی مردم مسلمان مصر بمنظور اعطای پناهندگی سیاسی به شاه مخلوع از طریق مطبوعات دولتی و نیمه دولتی زمینه‌سازی می‌کند.

قاب امروز



چهاردهمین نمایشگاه صنایع دستی کشور در اراک/ عکس از: بهنام موسوی

پند بزرگان

قطعه خاک و کود لازم است تا گل سرخ برود؛ اما گل سرخ نه خاک است و نه کود

پونگ

ضعیف‌الاراده کسی است که با هر شکستی پیش او هم عوض شود.

ادگار آلن پو

سرایه

ای در دل من رفته چو خون در رگ و پوست

هرج آن به سر آیدم ز دست تو نکوست

ای مرغ سحر تو صبح برخاسته‌ای

ما خود همه شب نخفته‌ایم از غم دوست

سعدی

امروز در تاریخ

پناهنده شدن محمد علی شاه قاجار به سفارت روسیه

۲۴ تیرماه ۱۲۸۸ شهر تهران پس از یک روز جنگ خیابانی به دست افراد مسلح بختیاری، گیلان و مجاهدین مشروطیت افتاد و محمدعلی شاه قاجار پس از اطلاع از آن، با خانواده اش به ساختمان تابلستانی سفارت روسیه در زرگنده قلعه پناهنده شد. وی قبلا در سلطنت آباد مستقر شده بود و با اینکه هنوز پانصد قزاق و تعدادی توپ در اختیار داشت تصمیم به تحصن در سفارتخانه خارجی گرفته بود.

قتل آیت الله بهبهانی و کناره گیری رئیس الوزراء

۲۴ تیرسال ۱۲۸۹ چهار مرد مسلح وارد خانه آیت الله عبدالله بهبهانی از سران انقلاب مشروطیت شدند و او را کشتند. در اعتراض به این عمل، مجلس شورای ملی جلسات خود را تعطیل کرد و کسبه تهران دست از کار کشیدند و دولت دستور خلع سلاح عمومی را صادر کرد. پنج روز بعد هم سپهدار تنگابنی نخست وزیر وقت کناره گیری کرد و میرزا حسن خان (مستوفی الممالک) جای او را گرفت.

هشدار روزنامه های آلمان درباره تعرض نظامی شهر یور

۲۰

روزنامه های آلمان در شماره های ۱۵ جولای ۱۹۴۱ خود و به گمان اینکه هشدار آنها به گوش رضاشاه برسد نوشته بودند که انگلستان علیه ایران دست به توطئه چینی زده و دولت تهران نباید قریب اظهارات «اسمیرنوف» سفیر دولت مسکو و «ریدرز بولارد» سفیر دولت لندن را بخورد که شایعه احتمال حمله نظامی به ایران را دروغ و نادرست اعلام کرده بودند.

تولد نقاش بلند آوازه هلندی

رامبرانت نقاش شهر قرن ۱۷ میلادی ۱۵ جولای ۱۶۰۶ در هلند به دنیا آمد و ۶۳ سال عمر کرد. وی که چهارم اکتبر ۱۶۶۹ درگذشت و بیشتر عمر خود را در آمستردام به سر برده بود شاهکارهای هنری بی مانند از خود بر جای گذاشته است که پورتره خودش یکی از آنهاست.

فوت آنتون چخوف

امروز سالروز درگذشت «آنتون چخوف» داستان نگار و نمایشنامه نویس بلند آوازه قرن ۱۹ روسیه است که ۱۵ جولای ۱۹۰۴ در ۶۴ سالگی فوت شد. وی یک پزشک بود و برای تهدیدستان یک کلینیک رایگان دایر کرده بود که خود در آنجا طبابت می کرد. مهارت چخوف عمدتاً در نگارش داستان های کوتاه است.

www.iranianshistoryonthistday.com

سودوکو

۲۵۱۱

	۸	۴		۵					
۵				۷					
	۴	۶		۹					
۷				۴					
	۴								
				۸					
۴		۳							
۱				۵					
۶			۳						
			۹						

۷	۵	۱	۴	۲	۸	۳	۹	۶	
۳	۹	۶	۷	۵	۱	۴	۲	۸	
۴	۲	۸	۳	۹	۶	۷	۵	۱	
۱	۷	۵	۸	۶	۴	۲	۳	۹	
۲	۴	۳	۱	۷	۹	۸	۶	۵	
۸	۶	۹	۵	۳	۲	۱	۷	۴	
۹	۱	۷	۲	۸	۵	۶	۴	۳	
۵	۳	۴	۶	۱	۷	۹	۸	۲	
۶	۸	۲	۹	۴	۳	۵	۱	۷	

حل ۲۵۱۰

جدول شرح در متن

۵۰۲۴

غلامحسین باغبان

دارای توقع	فیلم جدید	ماست رقیق شده اثر داستاویوسکی	پیمان	جدول حل	حل
۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳	۳	۳	۳	۳	۳
۴	۴	۴	۴	۴	۴
۵	۵	۵	۵	۵	۵
۶	۶	۶	۶	۶	۶
۷	۷	۷	۷	۷	۷
۸	۸	۸	۸	۸	۸
۹	۹	۹	۹	۹	۹
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶
۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷
۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸
۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹
۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱
۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳
۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴
۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵
۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶
۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷
۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸
۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹
۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲
۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳
۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴
۳۵	۳۵	۳۵	۳۵	۳۵	۳۵
۳۶	۳۶	۳۶	۳۶	۳۶	۳۶
۳۷	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷
۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸
۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹
۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰
۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱
۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲
۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳
۴۴	۴۴	۴۴	۴۴	۴۴	۴۴
۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵
۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶
۴۷	۴۷	۴۷	۴۷	۴۷	۴۷
۴۸	۴۸	۴۸	۴۸	۴۸	۴۸
۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹
۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰